همچنانیکه درساحه آرت ونقاشی نوآوری های به منظور پیوست درساحه ادبیات وشعرنیزمطالب جنجال برانگیزی ازنویسندگان ناراضی شوروی درمطبوعات آنکشوروجهان آزادبه طبع میرسید. برخی ازین صاحبان اندیشه و قلم که درگذشته شکنجه وآزاردیده بودندنیزمحلی برای طبع آثار خودپیداکردند، چنانچه شاعر ریوتوشینکو yevtoshenko که برروش ستالین انتقاداتی هم کرده بوددراتحادشوروی به طبع رسید. هم چنان اثرمعروف شولزنیتسین

بنام یک روزازندگی ایوان دیموسویچ که شرح زندگی یک روسی رادرزندانهای آنکشوربازمیگویدنشرشد نویسنده خوددروقت ستالین زندانی بود. آثارسایرزندانیانی ماننداویکوف وجارجی شلیست دراوایل سال ۱۹۶۰ به طبع رسید. ازطرف دیگر، روسها به پیمانه بیشتروسیر وسیاحت به کشورهای خارجی پرداختندحتی آنانیکه در موردرژیم انتقادمیکردندتبصره های جنجال آمیزی علیه رژیم می نمودندبه برخی ازمنتقدان سیاسی اجازه داده شد، کشورشوروی رابکلی ترک بدهندوراهی غرب شوند، امادرداخل اتحادشوروی، کوچیتوف، نویسنده بنام آن کشوربه حیث رهبرجناح محافظه کاران اتحادیه نویسندگان برگزیده شدوتواردوسکی که درکارتحریرشولزنیتسین همکاری میکرد، به حیث رهبرجناح لیبرال اتحادیه نویسندگان منسوب شد. همچنان ساینتیست های معروف و ناراضیان به این جناح ملحق شدند.

چنین روش آزادمنشانه که ازطرف دولت شوروی اتخاذ وبه نفع آن، تبلیغات وسیع وگسترده گردید، برای جهان

غیرکمونیستی، این ذهنیت را پدیدآوردکه درکشور شوروی تغییراتی رخ داده است درحالیکه درسیاست بنیادی رژیم تحولی صورت نگرفته بود. و "دولت تمام مردم" هنوزهم یک دیکتاتورشیپ است که دادرها موررا به کمک دستگاه حزب وکا،جی،بی به شکل خشن تری پیش میبردوکا،جی،بی هنوز هم یکی ازستونهای ثبات واستقرار رژیم است.

مخالفین واقعی سیاسی ضدکمونیستی،مانند گذشته تحت مضیقه قراردارندخصلت واقعی رژیم شوروی وکا،جی، بی وفقدان شکیبائی دربرابر مخالفین ایدئولوژی وقتی خوبترآشکارشدکه ستیپان بتدیرا، رهبرملی گرای یوکراین رادراکتوبر۱۹۵۹ درجمهوریت اتحادی آلمان ذریعه گماشتگان کا،جی،بی ترورکردند.

حقیقت است که رژیم شوروی درداخل خاک کشور، وقتی با ملی گرایان ویانهضتهای مخالف بر خورد می کرد.، مانندگذشته، رحم واشفاقی درحق آنان روا نمی داشت.وبرعکس ادعای خروسچف زندانیان سیاسی همچنان وجودداشت، تنها شمارآن کاهش یافته بود،محاکمات مخالفان سیاسی، البته بصورت محرمانه جریان داشت.

میزان فشاروواذیت را نمیتوان ازخلال محاکمات علنی تخمین زد. زیرا برخی اوقات اگراخبار این چنین محاکمات رادرجراید رسمی نشریا ذریعه سمیزدات عبدا پرده ازیک گوشهٔ این چنین محاکمات دورمیکردند هم بمنظور تأمین مقاصدسیاسی وملاحظات تکتیکی بود. چنانچه درسال ۱۹۲۰ نیزاین روش را دنبال کرده بودند.

برحسب ادعای میزونوف MIRONOV ، ئس سا.ة

کا ،جی،بی درلیننگرا ددربین سالهای ۵۹–۱۹۵۸ هنوز هم ۳۵ فیصدعنا صرضدحکومت را بەزندان می افگندو۶۵ فیصد دیگررا بعدا زاخطارآزادمیساخت . .

روشنفکران روسی هنوزهم رسما ذریعهٔ سازمانهای حزبی درانستیتوت های مختلف اکادیمی ها واتحادیه نویسندگان وسایراتحادیەها تحت کنترول قرار داشتند و غیررسمی ذریعه اجنت های خصوصی سرویس امنیتی تحت نظربودند . آنها آزادومستقل نبودندولی بەهمه حال استعمال ترورنسبت بەدورەستالین، ازبین رفت ، ولی یک ریفورم واقعی بین سالهای ۱۹۵۳ و۱۹۵۶ رخ داد ، دیگراصلاحاتی صورت نپذیرفت . ثبات پەاصطلاح سیاسی رژیم را میتوان درروشنائی گزارش محرمانەشلیپن ، که منظورآن تطبیق پالیسی طویل المدت واستقرارواستحکام رژیم بود ، بهترتشخیص داد . درسال ۱۹۲۰ متودهای را بکاربستندکه موٴفقیتهای ازان بدستآوردند . پالیسی رژیم این نبودکەقدرت واختیارات کا ،جی،بی رامحدود بگرداندبلکەبرعکس بەاین دستگاەرول سیاست گستردەتر، فعالتر، مغلق ونفوذ پذیری بیشتری اعطاگردیدتاحمایت جامعەرابا شکل وشرایط مطلوب برای رژیم عیاربگرداند کا ،جی،بی خودش با حزب وزعامت اتحادشوروی تجسم غلط جامعەعملاً سهم داشت . .

قانون دانان برجستەشوروی بشمول ویکتور چیک وادزەپروفیسرحقوق اوانستیتوت کا ،جی،بی زعمای شوروی رادرفورمول نسجەجدید "دولت همەمردم" یاری میکردند، همین سازمان بودکەابلاغیەهای غلط دایربه مٌحدودیت

فعالیت کا ،جی،بی وعدم موجودیت محبوسین سیاسی را تهیه وتنظیم میکرد .

وقتی ستاف حیرت زده اداری وشاگردان انستیتوت کا ،جی ،بی (بشمول موءلف این کتاب) عدم صحت بیانات خروسچف را بازگو وعلت آنرا پرسیدندبجواب شان گفته شد که اینچنین ابلاغیه ها برای ملاحظات سیاسی وتاکتیکی تنظیم میگردد . درحقیقت امراین بیانات به منظور آن بودتا برنقش جدیدکا - جی - بی پرده بیندازد .

دلیل دیگری ازنقش کا، جی ، بی درشکل دادن جدید ولی غلط رژیم تخنیک لیک کردن عمدی خبربین دوره پالیسی جدیداقتصادی و ۱۹۶۰ درقضیه شولگین Shuligin میباشد .

شولگین یک سلطنت طلب مهاجرکه قربانی گی پا او شده بود (سرویس امنیتی وجاسوسی اتحادشوروی ازفبروری ۱۹۲۲ تاجولای ۱۹۳۴) ندانسته به کمک گی پا او میکوشیدد ر طرزقضاوت غربیها نفوذوا ردکندوانکشافات شوروی را طوری که گی پا او میخواسته درنها دآنان تلقین نماید در ماه سپتمبر ۱۹۲۵ ذریعهء کمپلکس کا جی بی، تطمیع شدبه اتحاد شوروی بیابدوبکمک همین سازمان ازکیف ، ماسکو و لیننگراددیدن کردوبا وزرای سازمان زیرزمینی دفاع ، خارجه ومالیه که دستگاه جعل کرده بودملاقاتهای به عمل آورددرسال ۱۹۲۷ کتابی درباره این دیدارهای خودنوشت که عنوانش سه شهربودوبعدازتصفیه باگی پا او کتاب او در خارج ازشوروی طبع گردید .یکی ازبحثهای مهم کتاب این بودکه مداخله خارجی درامورداخلی اتحادشوروی زاید و

غیرضروری است به‌دلیل اینکه‌کمونیزم نیروی روبه‌زوال است . .

بعدازجنگ عمومی دوم ، اجنت قوای امنیتی روس شولگین رادربلگرادگرفتاروبه‌جرم مداخله‌درکار دستگاه درسال ۱۹۲۰ به‌زندان انداخت . درسال ۱۹۶۰ از حبس رهاگردیدوکی جی بی وی رابارد یگربه‌خدمت خود گماشت درهمین وقت ناخودآگاه‌بروشوری به‌طبع رساندوعلت‌تذکر این مطلب راکه‌اتحادشوروی بسوی سیستم دیموکراسی و اغماض پذیری راه‌تکامل را می پیماید باز گوکرده‌بود . .

تغییرات درساحه‌دپلوماسی :

از سال ۱۹۵۸ به‌بعدعلاقه‌زعامت اتحادشوروی به همزیستی مسالمت‌آمیز ، توسعه‌روابط بازرگانی‌واقتصادی با غرب ، روش ملایم وانعطاف پذیری درمذاکرات و قرار دادها ، دپلوماسی اتحادشوروی واردیک مرحله فعالی گردید . دپلوماسی سویه‌عالی رهبران شکل عادی به خود اختیارکرد . خروسچف وسایرزعمای اتحادشوروی،ازایالات متحده‌امریکاوفرانسه‌دیدن کردندوسران کشورهای غربی به‌ماسکودعوت شدند . .

تماس های نزدیک با حکومات پیشرفته‌سرمایداری به‌ شمول برتانیه ، ایالات متحده‌امریکا ، جمهوریت اتحادی المان، فرانسه‌وجاپان به‌منظورانکشاف مناسبات سیاسی قتصادی وکلتوری برقرارگردید . .

اتحادشوروی به‌انعقادکنفرانس سران و کنفرانس

بین المللی درباره خلع سلاح وتجارت علاقه زیادی نشان داد. بتاریخ ۴ دسمبر ۱۹۵۸ اتحاد شوروی ابلاغیه ای به نشرسپردوآزمایشهای ذروی را به تعویق انداخت وبدنبال آن پیشنهادهای درباره خلع سلاح ارائه کرد. اتحادشوروی کمال علاقمندی خودرا به حصول قرضه ها ازممالک پیشرفته صنعتی غیربلاک کمونیستی براساس قرضه طویل المدت ابرازنمود. کشورهای که با اتحادشوروی هم مرز بودند، موردتوجه خاص قرارگرفتنددرماه می ۱۹۶۲ خروسچف پیشنهاد انعقادکنفرانس جهانی تجارت را نمود.

این چنین ابتکارات، مظهرعلاقه محدود به مسایل ایدئولوژی وتوجه کثیربه دپلوماسی مصطلح ومروج ملی حکومت شوروی نبود. باید این اقدامات با دپلوماسی اتحادشوروی تحت زعامت لینن درخلال تطبیق پروگرام پالیسی جدیداقتصادی موردمقایسه قراربگیرد، دران وقت نیزقدمهائیکه برداشته شده بود، درداخل چوکات پالیسی درازمدت ایدئولوژیکی استواربود. دران وقت نیز چنین شوق وشوری برای همزیستی مسالمت آمیزومناسبات انعطاف پذیرباجهان سرمایداری وعین تماسهای سویه عالی سران وزعما با حکومات غیرکمونیستی، رامیتوان دردپلوماسی اتحادشوروی که بالاخره به انعقاد کنفرانس منعقده سال ۱۹۲۲ جینوا گردید، مشاهده کرد.

این مرحله ای بودکه لینن خود، زبان نرمش رابکار بست وازذکرکلماتی ازقبیل اینکه تروروتشدد درتکتیک اتحادشوروی سهمی دارد، خودداری به عمل آمد.

پیشنهادهای اتحادشوروی دراسامبله عمومی ملل

متحد ، دایربه‌خلع سلاح عام وتام وتقاضا برای انعقاد کنفرانس بین المللی تجارت ، با پیشنهادهای سال ۱۹۲۰ اتحادشوروی شباهت کامل دارد .

اتخاذدپلوماسی به‌اصطلاح معتدل اتحادشوروی در سال ۱۹۶۰ درواقع تکرارفعالیت های سیاست خارجی لینن به‌مقصدبهره‌برداری دربن تناقض‌گوئی ازممالک غیر کمونیستی وممالک کمونیستی بود .

اگرما اساس تاریخی ودپلوماسی اتحادشوروی متعلق به‌سال ۱۹۲۰ را با پامفلت لینن که‌زیرعنوان(مرض بچگانه‌چپ روی درکمونیزم) مشترکا موردمطالعه‌قرار بدهیم آن وقت سهل است بفهمیم که‌چرا شوق والتهاب برای همزیستی مسالمت آمیزبا سیستم های اجتماعی متفاوت درسال ۱۹۶۰ همدوش با تشدیدمبارزات ایدئولوژیکی در داخل وخارج اتحادشوروی بوده‌است .

صلای عام خروسچف که‌درخلال مسافرتش به ایالات متحده‌امریکا وبعدازان درسالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ برای همزیستی مسالمت آمیزوخلع سلاح توأم با حمله‌با سرمایه داری وپیشگوئی یک تغییربزرگ درغرب بود . همچنان حمایت جدی وی ازنهضتهای انقلابی وآزادیخواهی ملی در دنیا ، مخصوصا ویتنام وافریقا خیلی با اهمیت است .سال ۱۹۶۰ سال بنیانگزاری یک پوهنتون جدید ،بنام پوهنتون لومومبا ومرام آن تربیت وتمرین رهبران انقلابی برای کشورهای روبه‌انکشاف افریقا وآسیا وامریکای لاتین در تاریخ ابتکارات سیاسی رول عمده‌ای داشت ..

تشابه‌بین ابتکارات اتحادشوروی درسال ۱۹۲۰ـ و

ابتکارات سال ۱۹۵۰ واوایل سال ۱۹۶۰، ازنظرتحلیلگران غربی، هرگزپوشیده نماند. بصورت مثال داوید، بیشتردراثرخویش بنام " دیتانت " گفته است که مقامات اتحادشوروی توجه زیادی مبذول داشتندتا به تغییراتیکه واردمیگرددباتغییرات دوره پالیسی جدیداقتصادی سال ۱۹۲۰ هماهنگ باشد . .

همچنان، لازارپیستراک ، دراثرش بنام " تاکتیک های بزرگ " میگویدکه خروسچف ازمتودلینن که حاکی از پالیسی خارجی فعال وپخش همه جانبه مفکوره انقلابی به یاری وسایل وافزاربیسابقه تبلیغاتی بوداستفاده می کرد .

سومین تحلیلگرغربی که شتاگلبرگ نام دارد ،معتقد است که بین همزیستی مسالمت آمیزوتاسیس یک پوهنتون برای تمرین وآموزش رهبران انقلابی جهان سوم ، هیچ شباهت منطقی ندارد . وی بین پوهنتون لومبماوپوهنتون کمونیست برای زحمتکشان شرق درمقام مقایسه می براید پوهنتون اخیرالذکرچهل سال قبل توسط لینن تاسیس گردیدومرادآن تربیت کدرها برای جمهوریت های شرق اتحادشوروی ازقبیل جمهوریت ترکستان، قزاقستان و قفقازبود .

باوصف حرف های ازهمزیستی مسالمت آمیزپالیسی اتحادشوروی، مشعربه تحریک ویامداخله دریک سلسله بحرانهای دهه ای بودکه بعدازسال ۱۹۵۸ جهان راتکان داد . ازقبیل بحران برلین درنوامبر ۱۹۵۸ که خروسچف اصرارمیکرد ، ستاتوی برلین تحت اشغال لغوگردد . هم-

وجوددارد. مارکسیستها ولیننیستها برای حل این اختلافات جنگ بدون تردیدبه مبارزه سیاسی، اقتصادی وایدئولوژیکی ارتباط می گیرد.

سیاست خارجی اتحادشوروی درسال ۱۹۶۰ درست وقتی که رژیم با بحران دست وگریبان بودوناگزیرمیشدبدفاع برآیدیک سیاست معتدل نبودبلکه نسبت به سالهای قبل وحتی بعدازمرگ ستالین بیشترمتعرضانه بود.

اینکه جامعه شوروی، زیادمعتدل وتشریفاتی وبیشتر ملی گرای وکمترایدئولوژیک بود، این محصول پخش نشرات دروغ واستعمال سیستماتیک اصطلاحات از قبیل همزیستی مسالمت آمیزبودکه دولت عاملا" عامداجامعه را غلط رهبری میکرد.

سرویس امنیتی وجاسوسی اتحادشوروی درامر غلط معرفی کردن طبیعت سیاست خارجی روس، نقش خودراخاصتا درمقایسه قراردادن وبرجسته ساختن علایق ومنافع عمومی بین کشورهای کمونیستی وغیرکمونیستی ایفا می نمود. اشتراک اجنت برجسته اتحادشوروی دررشته نفوذدرساحات ساینتیفیکی ازقبیل اکادیمسن توپی چف ورولی که این اشخاص دراجتماع بکواش وسایرکنفرانسها بازی کردند، باردیگرخاطره نهضت اورازیان (EURASIAM) را که ذریعه ززرنسکی (DZFRZHINSKIY) درسال ۱۹۲۰ مورد استعمال قرارگرفت، درخاطره ها زنده میسازد.

چنان سقوط طیاره جاسوسی امریکا برفراز آسمان اتحاد شوروی درسال ۱۹۶۰ که کنفرانس سران را بهم زدو تصمیم اتحادشوروی دایربه تجدید آزمایشهای ذره وی درسال ۱۹۶۱ وبحران کیوبا درسال ۱۹۶۲ وبحران خاورمیانه در سال ۱۹۶۷ میتواندد رأس این بحران ها محسوب گردد. بار دیگرتوضیح این انکشافات را میتوان درتجاربی که پالیسی جدیداقتصادی ونظریات لینن درموردپالیسی خارجی بکاربرده بدست آورد. درپالیسی خارجی لینن هم حرف از صلح زده میشدوهم متودهای ضدصلح بکارمیرفت.

همزیستی مسالمت آمیزساخته وبافته خروسچف بود ، بگونه ایکه لینن نیزازین متوداستفاده میکردومنظوراین بودکه ازمبارزه طبقاتی بین سیستم های اجتماعی مخالف کشورهای غیرکمونیستی به نفع خودبهره برداری کنند. احیای پالیسی فعال خارجی لینن باتائیدروزنامه عسکری شوروی بنام کراسنایاسویزدا(KRASNAYAZVZDA) مورخ ۱۸ جولایی ۱۹۶۳ بهترتائیدمیگردد.

دریک مقاله این روزنامه نوشته شده که پالیسی خارجی لینن ذریعه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و حکومت شوروی، به حیث یک پرنسیب عالی قبول شده ، انعطاف پذیر، ولی بهرصورت یک پالیسی فعال تعرضی است . این سیاست کاملا" معقول وازان سودفراوان حاصل شده است . کمونیستها ، این مطلب راکتمان نمی کنندکه همزیستی مسالمت آمیزبرای فیروزی جهانی مفکوره مارکسیست ـ لیننیست خیلی مساعد است چونکه بین دوسیستم جهانی کاپیتالیزم وسوشیالیزم یک اختلاف عمیق بنیادی

۱

تغییرات بزرگ دراتحادشوروی

انکشافات مشخصی که از سال ۱۹۵۸ به بعد در اتحاد شوروی پدیدار گشت ، درغرب به پیمانه وسیعی مظهری از روش معتدل ایدئولوژی خشن کمونیستی وکاهش نفوذ آن دراقدامات عملی بردولت تعبیرگردید .

همچنان تصورمیشدکه اتخاذیک روش ملایم ،بایدناشی ازپرابلمهای باشدکه اتحادشوروی به حیث یک ابرقدرت و به منظورحفظ علایق وپیروی ازخط مشی عنعنوی خود ،باان مواجه میباشد . درپهلوی اینهمه مشکلات نهضت نارضائیانی که شوق ترک شوروی رادارند دردسردیگری برای اتحادشوروی ایجادکرده است .

درین شک نیست که واقعًا درساحات مختلف اقتصادی ، سیاسی ودپلوماسی وایدئولوژیکی رژیم تغییراتی وارد گشت ، امابایدبین تعییردرخودرژیم وروشی که این تغییر رابه جهان معرفی میکند، تفاوتی قایل سدمحصوصًا که اهداف ،، دروغگوئی وپنهانکاری ،، سیردرین پالیسی دخیل باشد .

تغییرات اقتصادی :

ازسال ۱۹۵۰ به بعد ، تغییراتی عملاً" دراقتصاد شوروی پدیدآمدکه شامل انکشاف تولیدات صنعتی وزراعتی به منظوربدست آوردن منافع بیشتربود . همچنان رقابتها

نفوذ ایدئولوژی :

تغییر عملی در اقتصاد ، سیاست و دپلوماسی حکومت اتحاد شوروی که از ان در بالا یاد آوری شد این عقیده را در غرب برمی انگیزد که نفوذ ایدئولوژی در سیستم شوروی رو به نقصان گذاشته است درحالیکه واقعیت امر بدین منوال نیست برعکس اگر تغییری رخ داد قبلا" بدقت محاسبه شده کنترول گردیده و پراگماتیک بوده و به اساسات سیاسی و اقتصادی رژیم تماس نگرفته است حتی درحقیقت با مقایسه با عصر استالین در استقرار و ثبات ایدئولوژی رژیم کمک کرده است .

درمطبوعات اتحاد شوروی در ارتباط با غرب ، بطور دائم ولی گاهگاهی، نیز از روش اعتدال کار گرفته شده و از منافع مشترک بین جهان کمونیستی و غیرکمونیستی صحبت به میان آمده است و از بیان تجددپسندی و از افزایش نفوذ غرب و ملی گرایان در اتحاد شوروی، خودداری شده که همه یک روش تاکتیکی درداخل چوکات پالیسی دراز مدت است . .

این حقیقت دارد که نسل جدید تعلیم یافته بعد از جنگ اتحاد شوروی، مانند اروپای شرقی، نمودار یک تغیر فاحش ولی بی سروصدای پرنسیپ های سیستم کمونیستی و ایدئولوژی آن می باشند .ولی در بین روشنفکران و جوانان روسیه و سایر ملتهای شوروی مخالفین سرسختی وجود دارد که جوانه های نشنلیستی در ایشان عمیقا ریشه دوانده و سخت دشمن رژیم هستند . دشمنی و نفرت جوانان به رژیم وقتی

کسب شدت میکندکه بیا دمی آورندنسل گذشته ا زرا ه اعمال زوروفشا روا دا ربه ا طا عت شده ا ند . این مخالفین اصیل و کا هش نفوذا یدئولوژی درنسل بعدا زمرگ ستا لین ، برای رژیم یک سلسله پرا بلم ها ی جدی را ا یجا دکرده ا ست . .

حا لا حکومت نا گزیرا ست به شیوه ستا لین همه رامختنق ومضمحل بگردا ندویا ا زروش جدیدکه برپا یه ا نعطا ف پذیری ا ستوا را ست ولینن آ نرا بکا رمیبردا ستفا ده به عمل آ ید و با لاخره متودلینن برگزیده شد . چونکه متودستا لین وا ضحا" به نا کا می ا نجا میدلهذا متودلینن متودبهتری قبول گردید

تفا وت رفا ه ا قتصا دی بین " طبقه نوین "وکا رگرا ن ودهقا نا ن فا رمها ی ا شترا کی محدودگردید ،ا ستعما ل ترور وفشا ر ، منع شدومتودها ی مغلق بکا را فتا دتا علیه نفوذ مذهبیون، ملی گرا یا ن وغربیها مبا رزه به صورت موء ثـر صورت بگیرد . .

رژیم با ا ستفا ده ا زتخنیک ها ی دوره (پا لیسی جدید ا قتصا دی) پرستیژخودرا با لا برد ، بحرا ن دا خلی را پشت سرگذا شت ومخا لفین فعا ل دا خلی را خنثی سا خت وبه این ترتیب یگا نه تغییروا قعی دربا ره ا یدئولوژی رژیم این بودکه میزا ن موء ثریت فعا لیتها ی خودرا ا فزا یش بخشد .

عوا مل دیگری که عقیده تحلیلگرا ن غربی را بکا هش نفوذا یدئولوژی رژیم شوروی بیشترمسجل سا خت یکسلسله ا قدا ما ت دیگری بودا زقبیل تبدیلی دیکتا تورشپ پرو – لتا ریا " به " دولت تما م مردم" . .

– رهبرا ن شوروی که متهم به فسا دشده بودندا زا نقلا بیون حقیقی به ا صلاح طلبا ن وتجددپسندا ن شهرت دا د ه

شدند. برخی از گروه طبقه متوسط مورددلجوئی قرار گرفت، دوربدگوئی وانتقادا زعصرستالین مجددا درزبانها افتاد. ساینتست ها، نویسندگان وسایرچهره های روشنفکرو فرهنگی مورداحترام قرارگرفتندوبه یک تعدادزیادیهودان روسی اجازه مهاجرت اعطا گردید.

به اساس ارزیابی سال ۱۹۶۱ حزب کمونیست اتحاد شوروی، چون" دیکتاتورشپ پرولتاریا" یا به عبارت دیگردیکتاتورشپ حزب کمونیست وظایف خودرا حسب مطلوب انجام داده است لهذا " دولت تمام مردم" تا پیر و زی کامل کمونیزم بجای خودباقی خواهدماند. بدون اینکه ضعف ونارسائی حزب موردکنترول ایدئولوژی قراربگیرد، فورمول جدیدبا یدبخشی ازمساعی به منظورگسترش پایگاه سیاسی حزب تلقی گردد. درحالیکه درظاهرا مرتصویری از اعتدال وکمترتوجه پذیرعرضه میگردیدوبه این ترتیب حزب همچنان انحصارقدرت وسایل ومفکوره را ازآن خود ساخت. خلیج بین اتحادشوروی وسیستم های اجتماعی کشور های غیرکمونیستی درواقع امرپیوسته روبه افزایش میگذاشت درحالیکه ازطرف دیگرعلایق مشترک بین این هردوسیستم برعکس مرتبا تبلیغ میشد، تحمل برای موجودیت یک اپوزیشن سیاسی خارج ازحیطه کنترول دراتحاد شوروی برای همیشه بساطش چیده شد، چنانچه درگذشته نیزچنین چیزی وجودنداشته است. تمام عملیات اعم درداخل ویا خارج کشوربصورت مستقیم ویا غیرمستقیم مطابق پرنسیپ های ایدئولوژیکی وسیاسی لیننیزم پیش برده می شد بدون آنکه موضوعات ملی واقتصادی مانندگذشته، مطمح

نظرقرا ربگیرد . هرگونه‌توقع درا فزا یش ریویزیونست ، ملی گرا یی ویا نفوذغرب دررژیم ، یک توقع غیروا قع‌بینا نه‌بود . مخصوصا که‌برخوردموء جه‌غرب دربرا برسیستم نیزدرنظرگرفته‌شود . .

همچنا ن ا ین طرزتفکرنیزخا لی ا زصوا ب بودکه گویا زعما ی ا تحا دشوروی وا عضا ی حزب کمونیست آ نکشور ،نسبت به‌گذشته‌کمترشوروشوق ا یدئولوژیستی دا رندوا نقلا ب را برا ی تجددپسندی وا صلاح طلبی پذیرا شده‌با شند . با وصف آ ن کا رتلقین ا یدئولوژی وتجدیدآ موزش بعدا زسا ل ۱۹۵۸ نسبت به‌برخی ا شخا ص که‌آ نرا ا هما ل میکردند ، و نفو ذ ا یدئولوژی درآ نا ن روبه‌نقصا ن گذا شته‌بودبا ا عمال‌فشا ر تحمیل میشده‌ا ین تلقین وتجدیدآ موزش به ا ستقا مت ا هدا ف پا لیسی درا زمدت که‌رهبرا ن حزبی جملگی بد ا ن متفق ا لقول بودند ، صورت گرفت . .

بوجودآ مدن لیدرا ن نسل جدیدا زقبیل شلیپن ،پولیا نسکی وا ندروپوف نه‌تجددپسندبوده‌ا ندونه‌حا لا میباشند

گزا رش شلیپن وفعا لیت کا جی بی که‌ا ووا ندروپو ف مسئول آ ن بودندتظا هربه‌ا ین شدکه‌آ نا ن ا نقلابی‌باحرارتی بوده‌ا ندکه‌پا لیسی ا یدئولوژیکی لینن را پیروی می نمودندوبرا ی کسب قدرت ا زنسل قدیمی صا یب تشخیص دا ده‌شده‌بودندچونکه‌هوا خوا ه‌ا ین پا لیسی بودندوتوانستند موء فقا نه‌آ نرا به‌مرحله‌تطبیق بگذا رند .

دیگردرگروه زعا مت ا تحا دشوروی نه‌لیبرا ل و نه ا عتدا ل پسندونه‌محا فظه‌کا روجوددا رد . فقط کمونیستها برا ریکه‌قدرت قرا رگرفته‌ا ندکه‌ا قدا ما ت آ نا ن برموا زین

پالیسی برا زمدت حزب استوار است . اما فقط تنها وقتی زعامت حزبی شوروی به منظورسودجویی برای پالیسی خواسته‌باشد درا ن وقت درا نظار عامه ، قیافه‌های از قبیل لیبرال ها ویا ستالینست ها را عرضه می کنند .

همچنا ن این اندیشه‌صایب نیست که مفکوره‌ایدئولوژیکی نظریه‌پردازان وتیوریسن های اتحادشوروی روبه ضعف گذاشته‌ونسبت به‌حزب گرایش آزادمنشانه‌ای را پیشه کرده‌اند . حقیقت امراین است ، مامورین عالی رتبه ، جنرالها ، ساینتیست ها ، وبیوروکراتهای حرفوی همه اعضای حزب اندوکاملا" آگاهندکه‌رفاه وآسودگی شان متناسب به علاقمندی شان به‌حزب است واگرموقف رژیم ضعیف شود ، حکومت ودرپهلوی آن خودشا ن ازین ناحیه‌آسیب می بینند . بصورت عمومی درمورددکتورین کمونیزم نسبت به عصرستالین کمترشکاک هستند . گرفتاری وحبس در میان آنا ن دیگرمعمول نیست وفقط وقتی موردتعقیب قرار می گیرندکه‌به‌مخالفت علیه‌رژیم عملا" سهم بگیرند ، لهذا درحقیقت نسبت به‌گذشته‌وفادا رترند . آنا ن میدانند که تغییردرسلطه‌اقتدا رحزب تغییرنا پذیرا ست . چون همه چیزتحت کنترول حزب قراردارد لهذا بین زعامت حزبی و تیوریسن ها هیچ دسته‌بندی وجودندارد . .

اگرنظریه‌پردازان وحرفوی ها نقش بهتری درتطبیق پالیسی بازی کنندا ین کاررا زیرنظروکنترول حزب ، انجام میدهند . این یک تصورواهی است که‌فکرشود ،اعضای مسلکی حزب ، طوریکه‌درغرب معمول است سیاستا " آزاد اند . درست است که‌آنا ن ازنفوذ زیادی برخوردارهستند،

اما آزادی هائی ندارند. شهود غیررسمی دایر بر اینکه متخصصین نظامی واقتصادی ویا تکنوکراتها رول مستقلی درپروسه سیاست مداری بازی می کنند. میتوانند مردود شمرده شود، اگربرخی ازکارشناسان حزبی از عهده خود استعفا میدهندویا نظرات انتقادی خودرا درمطبوعات اتحاد شوروی منعکس میسازندویا باخارجی ها قرارملاقات میگذارندبا یدقبول شودکه همه به اجازه ودستورحزب صورت گرفته است. .

تعدیل درسیاست اقتصادی بطوریکه برخی اوقات فکر میشودناشی ازفشاروا صرارا قتصاددانها ، تکنوکرات ها و دانشمندان نیست بلکه پلان آن نخست طرح میشودوبعد به ابتکار ونظارت حزب به مرحله اجرا درمی آیدودر آن هم اهداف پالیسی درازمدت که براساس تجارب (NEP) پالیسی جدیداقتصادی استوار است، مدنظرگرفته می شود.

تعدیل درین موردبه منظورتوانگری اشخاص انفرادی ویا یک گروپ صورت نمی گیردبلکه هدف ازین تعدیل توانگری واستحکام رژیم وتطبیق پالیسی کمونیستی است.

تکنوکراتها ویاکارشناسان، شوق والتهاب ایدئولوژیکی خودرا ازدست نداده اند آنان بحیث افسران عالی رتبه حزب باقی می مانندکه مسئولیت دیگری ازطرف حزب به آنان به ندرت واگذارخواهدشد. اگریکی ازآنان ازراه ورسم ونورم زندگی کمونیستی عدول کردندویا تجددپسند شدندازموقف شان تبدیل میشودولی علاقمندی وشوق ایدئولوژیکی آنان توسط فشارهای خالی ازتشددو تربیت سیستماتیک ایدئولوژیکی وکنترول سخت حزب ، با دیگ..

درنها دشان احیا میگردد .

کارگران ودهقانان مزارع اشتراکی،بطوریکه بعضی ازناظران فکرمی کنند، طبقه‌متوسط نیستند. انکشاف کارگران حرفوی هنوزهم بطی است. آنان برای رسیدن بیک ستندردزندگی مناسب راه‌طولانی پیشرودارند.گذشته ازان، درشرایط اتحادشوروی، ظهوریک طبقه‌متوسط ناممکن است برای اینکه‌حزب اهداف مختلف داردواگراین اهداف هم برآورده‌شودبازهم چون فلسفه‌کمونیزم مبارزه‌بر ضد طبقه متوسط است ، لهذا پیدایش چنین طبقه در جامعه شوروی مردودشمرده‌میشود . .

اسنادمهم حزبی اتحادشوروی وبلوک شرق ،ازقبیل مذاکرات بیست ویکمین کانگرس حزب کمونیست اتحاد شوروی، مانیفست نوامبر۱۹۶۰ گزارش تاریخی ۶ جنوری ۱۹۶۱ خروسچف وپروگرام مصوبه ۱۹۶۱ دستگاه‌جاسوسی گی، پاا ووپولیس امنیتی پرنسیپ های بنیادی رژیم اتحاد شوروی وایدئولوژی آنرا وهمچنان غایه‌نهائی مبارزه ایدئولوژیکی شوروی وبلاک آنرا تثبیت کرده‌است . این اسناد، نهضت کمونیستی را برای مبارزه‌علیه‌ایدئولوژی های محلی وخارجی فرامیخوانندوآموزش بهترایدئولوژی کمونیستی را توصیه‌میکنند . .

این نتیجه‌گیری که‌رژیم اتحادشوروی به‌استقامت یک سیستم بیشترملی ومتعارفی وکمترایدئولوژیکی روان است ، نیزمقرون به‌حقیقت نیست برعکس ازطرف رژیم تصمیم سنجیده‌اتخاذمیگرددتاباآنهم اهداف‌ایدئولوژیکی توجه‌غرب راازان منحرف بگرداند. پلان گذاری و غلط

جلوه‌دادن حقایق، دردکتورین وتجارب تاریخی پالیسی جدیداقتصادی لینن مورداستفاده‌قرارداشته‌است .

احیای مجددمفکوره‌مردودشمردن ستالین

شایدمهمترین تخنیک استفاده‌ازمعرفی کردن پالیسی معتدل شوروی به‌منظورگول زدن غربیها در اواخر سال ۱۹۵۰ واوایل سال ۱۹۶۰ ورواج مجددبدگوئی از ستالین وموضوع تجددپسندی که‌به‌این موضوع ارتباط دارد، باشد. میتوان تقررپیرونوکین PERNUKIN رابه حیث سفیراتحادشوروی درآلمان شرق درسال ۱۹۵۸وتبدیلی شلیپن بجای سیروف به‌حیث رئیس کاجی بی احیای حیثیت گروپ ضدحزبی که‌بنام ستالنیستها یادمیشدندو نسبت به اعمال گذشته‌شان شکنجه‌وآزاردیده‌بودنددربیستمین کانگرس حزب کمونیست اتحادشوروی، رواج بازار انتقاد علیه‌خودستالین نسبت به‌آزاروشکنجه‌این گروپ و دور کردن جسداوازکنارلینن روشنی مزیدبراعمال مولوتوف وامثال آنرادرین سلسله‌یادآورشد .

پیرونوکین یکتن ازاعضای گروه مخالف خروسچف در جون ۱۹۵۷ درغرب شهرتی بهم رسانده‌بود. این شخص به حیث سفیراتحادشوروی درآلمان شرق وقتی مقررگردید که زمینه‌بحران سال ۱۹۵۸ برلین به‌حیث ستراتیجی بلوک فراهم میگردید. تقرراورا میتوان نخستین کوشش حساب شده‌برای گول زدن غربیها دانست . زیراغربیها با شوق و اشتیاق تمام مقرری پیرونوکین رادلیل نفوذ متقدان در

دستگاه رهبری ومظهری از یک بحران بزرگ دردا خل حزب کمونیست شوروی تلقی میکردند. درحالیکه این بحران، درچارچوب پالیسی طویل المدت طرح ریزی شده و طراح مهم آن نیزهیچکسی جزخروسچف نبوده است. اما قضیه سیروف رئیس سابق کاجی بی که جایش را شلیپن گرفت، شکل دیگری داشت به این معنی که سیروف از دیرزمان از حامیان خروسچف بودولی طوریکه گفته شد، مداخله آشکارای وی درتعذیب وشکنجه اشخاص، درگذشته، وروش بی خردانه اش برای تطبیق پالیسی درازمدت، که یک وظیفه مهم وخطیربودوراغیرمطلوب ساخته بود.

سابقه حیات شلیپن، که یک رهبرسابقه سازمان جوانان بود به اویک قیافه کارآمدی بخشیدواین خودبار دیگر خروسچف وشلیپن را درقطار رجال لیبرال درمی آورد.

انتقاددوباره دربیست ودومین کانگره حزب کمونیست اتحادشوروی برگروپ ضدحزب از قبیل مولوتوف، مالینکوف، وروشیلوف وسایرین نسبت به نقش گذشته شان دراموتحمیل فشاربرمردم شایدبهترین پلان محاسبه شده به نفع کسانی باشدکه برروش ستالین انتقادمیکردند. طرح این پلان مبارزه برای احرازقدرت پایان یافت وبه یأس یک تیم رهبران که هواخواه پیشبردپالیسی درازمدت بودند منتهی گردید.

اختلاف "نمایشی" بین میانه روان وستالینستها با تصمیم بیست ودومین کانگرس حزب کمونیست اتحاد شوروی منعقده اول نوامبر ۱۹۶۱ ارتباط داشت که به اثر آن جسدستالین ازمقبره لینن خارج ودرکنار دیوار

کریملین دفن گردید. نمایش دراماتیک دیگر، امتناع شگفت آورا فراد کا جی بی ازورشلوف بودکه درمقابل خبرنگاران ودپلوماتها اورا ازپیوستن به صف سایر رهبران شوروی برسرمقبره لینن بازداشت تارسم گذشت را بازدید نماید.

یک هدف دیگراین "نمایشهای روی ستیژ" در امر سرزنش ستالین این بودتا زمینه مساعدی برای بازگشت دشمنان داخلی به دوستان وفادارفعال فراهم گرددو در روشنائی آن، درپیشبردپالیسی درازمدت ازایشان استفاده به عمل آید. خروسچف شخصا باکودکان خانواده های ئیکه رسما اعاده حیثیت شده بودند ملاقات نمود.

به منظوردرگیرساختن همه سکتورهای جامعه شوروی، با پالیسی جدیدا عاده حیثیت به ساحه خارج ازسیاست نیز گسترش یافت. چنانچه خروسچف با دزدی ملاقات کردو آنرا رسانه های گروهی شوروی باآب وتاب فراوان تبلیغ کردند.

دستگاه کا جی بی درا عاده حیثیت زندانیان سابقه و بازگشت آنان به درجات حزبی نقش خاصی به عهده داشت. این کا جی بی بودکه بیاری اینچنین رجال شتافت و از طریق تماس با فابریکه ها وسایرانستیتوتها اپارتمان و مشغولیتی فراهم ساخت درین جمله آنانی راکه برای کا جی بی موزون ومناسب بودندوازان ها درمسایل سیاسی استفاده شده میتوانست تحت تربیه وآموزش گرفت.

واما توضیحات قضیه مولوتوف خیلی پیچیده است. براساس منابع رسمی ونیمه رسمی به سفارت منگولیا مقرر

درتولیدتشویق میشدوازطرفی هم فروشگاههای شخصی در شهرگسترش می یافت. ولی درمطبوعات شوروی حرفهای از ظهورسیستم سرمایداری وبازارسیاه وتجارت بازارسیاه زده میشد.

اعترافات یک ملیونربازارسیاه سابق در روزنامه ایزویستیا درسال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰ به‌چاپ رسیدونگرانی مطبوعات رادرین موردتائیدمی نمود.

این امرحقیقت داردکه‌باشکال مختلف فروشندگان خصوصی دراتحادشوروی وجودداشته‌که‌دراندهقانان کولکتیف‌ها وبرخی ازاشخاص انفرادی تولیدات زراعتی خود راکه‌ازاراضی اطراف خانه‌خود، بدست می‌آوردند، برای فروش عرضه‌میکردند.

دردوره (*NEP*) یا پالیسی جدیداقتصادی که‌مالکیت شخصی ودادوستدخصوصی، مجازبود، این فروشندگان شخصی به‌اوج دوره‌قبل ازانقلاب رسیده‌بودولی باختم مرحله پالیسی جدیداقتصادی، واشتراکی ساختن زراعت، این نوع معاملات به‌پائین ترین درجه‌خودکاهش یافت. درخلال جنگ عمومی دوم وبعدازان برای مدت‌کوتاهی بار دیگر رونق یافت ولی چندسالی که‌ستالین زمام قدرت را در دست داشت مجدداً سیرنزولی خودراپیمود. بعدازینکه ستالین ازصحنه‌سیاست خارج شد، باالغای عرضه اموال دهاقین ازاراضی متعلق به‌خودشان به‌دولت، بار دیگر تشبث خصوصی انکشاف کردوفروشگاههای خصوصی رنگ و بوی تازه‌ای یافت. واکنون نیزبه‌دوشکل خاص فعالیت میکنندبه‌این معنی که‌درشهرها دهقانان مزارع اشتراکی

شدتا با زعمای جمهوریت مردم چین تماسهای برقرا رنماید هنوز مولوتوف بکارخودآغا زنکرده بودبه مسکوفرا خوانده شدودرسال ۱۹۶۰ به حیث رئیس هیئت دولت متبوعش در اجنسی بین المللی انرژی اتوم دراستریا مقررگردید . .

براساس ادعای ساتیکوف (SATYUKOV) رئیس تحریرروزنامه پراودا وسایررهبران کمونیستی به شمول کوزینین، درموقع برگزاری بیست ودومین کانگرس حزب کمونیست اتحادشوروی مولوتوف ، به اعضای کمیته مرکزی حزب نامه ای را توزیع ومسوده پروگرام جدیدحزب را مورد انتقادقرارداده آنرا یک پروگرام تجددطلبی وغیرانقلابی وپاسفیست خواند . .

مولوتوف درست موقعیکه بیست ودومین کانگرس حزب کمونیست اتحادشوروی دایرگردیده بودازویانافراخوانده شدولی درجلسات او را اجازه شرکت ندادندوبعدازگذشت چندروزمختصر ، مجددا راهی ویانا گردیدکه میگویند آنجا درخانه محبوس بود . چندروزبعدتربازبه مسکوبازگشت . به تاریخ ۸ جنوری ۱۹۶۲، وزارت خارجه شوروی گزارش داد که عنقریب عازم ویانا خواهدشدولی این گزارش هرگز تحقق نپذیرفت . .

درین مورد، داستانهای عجیب وغریبی گفته میشد . مولوتوف را به منگولیا فرستادندتا او را تجریدکنند و در سرویس دپلوماسی پرستیژاو را پائین بیاورند . در آنجا ذریعه جاسوسان جنرال دوبرینین، رئیس مشاوران سرویس امنیتی حکومت مغولستان خارجی وسابق رئیس نظارت کاجی بی تحت نظربود ، برقراری تماسهای غیر رسمی

بین او وحکومت چین بعید می نمود زیرا اگرچنین تماسها صورت می گرفت وگزارش این تماسها بدست می آمد نا ممکن بودکه اورا به حیث رئیس هیئت اتحادشوروی و کمیسیون انرژی درویانا مقرر میکردند . وی مانند مالنکوف ، بولگانین وامثال آنها دریک شهرگمنام شوروی فرستاده شدندتا تقاعدکنند . گذشته از عین چنین رفتار خشن ، با دیگران نیزبه عمل آمده وگزارشهای اندرین زمینه در دست است بدین معنی که به اعضای حزب نامه های محرمانه ارسال و از سلوک ضدحزبی اخطار داده شده است .ولی درمورد مولوتوف اینطوررفتار صدق نمی کنددرجلسات محرمانه حزبی که معمولاً" انتقاداتی علیه چنین شخصیتها صورت می گیردنیز مطلبی درباره مولوتوف ثبت نشده است . علاوه بر ان انتقادی که وی علیه پروگرام حزب کرده بود ، یک حرکت نامناسب وبی موقع بودبه دلیل اینکه این پروگرام به اساس فیصله بیست ویکمین کانگرس حزبی منعقده نوامبر سال ۱۹۶۰ طرح ودران پالیسی وستراتیژی جدیدوانقلابی بلوک را تصویب کرده بودند . لهذا انتقادبی اساس مولوتوف برین پروگرام درداخل نهضت کمونیستی بحث خنده آوری را باعث شد .

درهرصورت مولوتوف برپالیسی خروسچف دوسال قبل از انعقادبیست ویکمین کانگرس حزب کمونیست انتقاد کرده بود . وی انتقادات خودرا علیه فیصله کانگرس که به امضای استینوف رسیده بود ، بصورت محرمانه به اعضای حزب ارسال کرده بود . ناگفته نماندکه ولادیمیر استینوف بعدا به حیث منشی حزبی شهرماسکوا رتقا یافت .

می گفتند انتقاد مولوتوف مخلوطی از دوگماتیزم و اقتباساتی از گفته‌های لینن بوده است. این نکته از طرف ساتیاکوف مدیر روزنامه پراودا تذکر داده نشده و در حقیقت از طرف زعامت شوروی به اطلاع عامه هرگز نرسید.

ازین لحاظ معقول این است که استنباط شود لهجه انتقاد عملی مولوتوف، درسال ۱۹۵۹ نخست ملایم شد بعد وقتی به نشر رسید که پالیسی سال ۱۹۶۱ - آنرا مناسب و موء جه میدانست. این امکان هم وجود دارد که مولوتوف با فهم خودش درین راه استعمال شود و به حیث یک عضو حزب، چاره ای نداشت جز آنکه آنرا بپذیرد.

از نشرات و تبلیغات غیرعادی رفت وآمد مولوتوف بین ماسکو و وین شاید مراد این بوده باشد تا توجه غرب را درست در موقعی به این موضوع جلب کند که اختلافات اتحاد شوروی و جمهوریت مردم چین نیز رو به انکشاف میگذاشت.

به ارتباط این موضوع باید اضافه شود که سیتاکوف درحالیکه از طرف میکویان و سایر نطاقان حزبی پشتیبانی میشد مولوتوف را محکوم کردند که اختلافات سیاسی را به امپریالیزم پیشگوئی کرده و این مفهوم جنگ را دارد. همچنان میکویان مولوتوف را متهم کرد که همزیستی مسالمت آمیز را رد کرده است. سایر اعضای حزب ادعا می کنند که مولوتوف با برقراری تماس دپلوماسی به سطح عالی بین اتحاد شوروی و غرب مخالفت میکرد.

سیتاکوف با این جمله جواب مولوتوف را داد: ما به مولوتوف میگوئیم نی. حزب کمونیست اتحاد شوروی سعی نهائی خودرا مبذول میدارد تا براساس پالیسی لیننیست

که متکی برهمزیستی مسالمت آمیزمیباشدصلح برای اتحاد شوروی تضمین گردد .

معلوم میشودکه خصلت جنگ افروزی مولوتوف عالما" عامدا درمعرض دیدهمه گذاشته شدوتبلیغات وسیعی به راه افتادتا بدین ترتیب چهره اعتدال پسندانه زعامت شوروی وعلاقه جدی آنکشوررا با مقایسه با مولوتوف به همزیستی مسالمت آمیزوتشنج زدائی منعکس بگردانند .

سایتوکوف دواتهام دیگرنیزبرمولوتوف داشت که شایسته تحلیل وبررسی است . اعتراض نخستین سایتوکوف برمولوتوف این بودکه وی کوشیده است خودرا ترجمان افکار لینن معرفی کندودودیگراینکه اوپروگرام جدید حزب را پسیفیست وغیرانقلابی می شمارد . این هردواتهام قبلا" علیه کشورهای کمونیستی که اتحادشوروی باآن مخالفت داشت ، بکارمیرفت .

طوریکه قبلا" توضیح رفت مسایل تجددپسندی وانحراف ستالین ازاصول ومبادی کمونیزم بین زعمای کمونیستی بلاک درپایان سال ۱۹۵۷ کاملا" حل گردیددیگرموجودیت اختلافی بین احزاب کمونیستی مفهومی نداشت درا خیر به این نتیجه میرسیم که تازه ساختن این قضایا دربیست ودومین کانگرس حزب کمونیست ، یک حرکت ساختگی وجعلی بودوبس .

بایدبخاطرداشت که یکی ازاهداف تظاهربه اختلافات این بوده است که اعتبار اتحادشوروی را دایربه اینکه روس اعتدال را درپیش گرفته درجهان بالا ببردوخروسچف به حیث یک ریوزیونیست معرفی شود . واین دلیل دیگری است

ازینکه معتدل بودن اتحاد شوروی کدام بنیاد واساسی هرگز نداشته است .

موقف ساینتست ها وسایر روشنفکران :

کمیته مرکزی وکاجی بی مساعی زیادی در سالهای ۱۹۵۸ـ۶۰ بخرچ داد تا از ساینتیستها ، نویسندگان وسایر روشنفکران برای مقاصد سیاسی ودروغگوئی مطابق خواست پالیسی جدید در از مدت استفاده به عمل آید . این پیشآمد جدید با روشنفکران هدف داخلی داشت .همکاری روشنفکران در برخی مسایل سیاسی تقاضا میشد و به این ترتیب رژیم ، آنان را از مخالفین، منزوی میساخت و اما هدف خارجی از این اقدام آن بود تا روشنفکران بمنظور اجرای اهداف ستراتیژی در اذهان عامه غرب وحکومات آنان نفوذ وارد کنند و این برعلاوه جاسوسی علیه یک دیگر بود که قبلا" عملی شده بود و خوب هم پیش میرفت .

استعمال ساینتیست ها مخصوصا بحیث اجنت اعمال نفوذ و در عین زمان طریقه پخش اطلاعات دروغ ، ستاتوی آنها را یکسره تغییر داد .

دستگاه کمیته مرکزی وکاجی بی وورا رب خارجه اتحاد شوروی روابط نزدیک خود را با دانشمندان وعلما توسعه دادند . به برخی از آنان بصورت منفرد آموزش جاسوسی دادند و برخی هم درمکتب جاسوسی شامل شدند .

رژیم بجای اینکه ما نند گذشته آنان را بصورت تک تک در داخل اتحاد شوروی تحت مراقبت داشته باشد برعکس

مناسبات را با آنها درداخل بهترساخت وضمنا زمینه مسافرت‌های بخارج برای شان فراهم گردید با این مقصدکه مناسبات شانرا با دانشمندان غربی توسعه بدهند و از این توسعه روابط به نفع رژیم بهره برداری کنند و به پخش اطلاعات دروغ بپردازند.

شکایات کاپیتسا واندری سوخاروف اکادیمیسین های ناراضی وزورس میدویدیف عالم بیولوجی درمورد مشکلاتی که دانشمندان اتحادشوروی با آن مواجه هستند و از اینکه میل دارند به خارج مسافرت کنند و با هم مسلکان خود در غرب دیدارهای به عمل آرند و یا اینکه دانشمندان غربی از فقدان تماس با علما وساینتیست های شوروی انتقاد می کردند با اعزام دستوری دانشمندان شوروی به غرب، دیگر ارزش سابق خودرا نداشت. بجای آن این تماسها بدستور کمیته مرکزی وکاجی بی دیدارهای تنظیم میشد و دانشمندان دستوری کاجی بی نیز در جمع آوری اطلاعات از غرب و پخش اخبار و اطلاعات دروغ به جانب مقابل وکوشش برای اعمال نفوذ سیاسی توجه غربیها را از اصل موضوع منحرف میساخت. درحقیقت امراکثریت ساینتیستهای اتحاد شوروی رضا کار انه عضویت دستگاه جاسوسی را علیه دانشمندان غربی پذیرفتند به امید اینکه چنین کارتماس شانرا با هم مسلکان غربی شان فراهم خواهد ساخت و درنتیجه به دانش شان خواهد افزود و در پیشرفت کار شان نیز کمک خواهد کرد. از قبیل فادیف FADEYEV نسبت به اینکه جاسوسی هم مسلکان روسی خودرا بکنند، بهتر دیدند این جاسوسی را درمورد دانشمندان غربی مبذول دارند که کیفیت بهتر

دارد.

استفاده دانشمندان شوروی به حیث ایجنت نفوذ و طریقه پخش اطلاعات دروغ، پالیسی شوروی را در مورد فاش ساختن اطلاعات محرمانه تغییرداد. بهمه حال در ساحات بسیار مهم، مخصوصا پروسه طرح سیاست و تخنیک تطبیق آن، بگونه گذشته همچنان محرمانه و سری نگهداشته میشد و تنها ساحات مشخص ساینس و جامعه شوروی درمعرض نشر و اشاعه قرار می گرفت. روی همرفته مجموع نشرمسایل محرمانه اتحاد شوروی نسبت به عصرستالین کمتر است.

تقرب زیاد ساینتیست های شوروی، به دستگاه دولت علاقمندی آنان را برای سهم گیری در" مرحله تکامل" سیستم شوروی مضاعف میسازد. اما مهمتر از همه تماس ساینتیست های شوروی با علمای غربی، این احساس را که اتحاد شوروی و امریکا، علایق مشترک دارند، بیشتر تقویت کرد. نفوذ اجنت های کا جی بی، از قبیل توپچیف TOPCHIYEV ارتوبولیفسکی ARTOBOLEVSKY وکا – وستوف درکنفرانسهای بین المللی علمی ونقش آنان در پیشبرد مفکوره شوروی درجلوگیری از یک جنگ هستوی که با ایالات متحده امریکا علایق مشترک دارند، ایالات متحده امریکا را به این عقیده کشاندند تا درمذاکرات کنترول سلاح هستوی وخلع سلاح با اتحاد شوروی سهم جدی بگیرد و بعد دراوایل سال ۱۹۶۰ به انصراف درجهت سلاح هستوی بپر – دازد به امید اینکه اگر ایالات متحده امریکا از مقدار سلاح هستوی خود بکاهد، اتحاد شوروی نیز از این روش تبعیت خواهد کرد.

کا جی بی، همچنانیکه ساینتیستهای کشورخودرا در پیشبرد اهداف دولت بکار انداخت درموردنویسندگان نیز، مخصوصا نویسندگانی که شهرتی بهم رسانده بودنددرساحات داخلی وخارجی بکار اندا خت . پلانهای سلیپس به اساس ـ مت دژ نسکی DZERZHINSKY درمباحثات کنترول شده بین نویسندگان محافظه کار ولیبرال اثرات قاطعی ببار آوردبدلیل اینکه قهرمانان هردوطرف کوچیتوف وتوروده سکی چهره های دستوری کمیته مرکزی وکا جی بی بودند که با این دستگاه ازدیرباز همکاری میکردنداین بحث و مذاکره توأم با انکشاف سالهای کلتوری بین شرق و غرب نتیجه ثمربخشی را برای تعویت مبانی (تکامل)ببار آورد.

اهداف ستراتیژیکی نشر اطلاعات دروغ درتکامل تدریجی اعتدال

هدف مهم خارجی ستراتیژیکی نشر اطلاعات دروغ در اوایل سال ۱۹۶۰ ذریعه رژیم شوروی وپیش کشیدن مفکوره علایق " مشترک با غرب " ایجاد یک فضای مساعد، برای پیشبرد یک دپلوماسی فعال دیتانت دریعه اتحاد شوروی و سایرکشورهای کمونیستی وپاسخگوی غلط عربیها در برابر ابتکارات دولتهای کمونیستی بوده است . پنج هدف مهم دردپلوماسی کمونیستی بدین قرار بود .

- تخریب اتحاد غربیها
- وادارکردن کشورهای پیشرفته صنعتی درراه انکشاف اقتصادی ونظامی بلاک از طریق توسعه تجارت

شرق و غرب ، تحصیل قرضهای طویل المدت وحصول تکنالوژی پیشرفته از غرب .

- انحراف توجه غربیها ، از افزایش قدرت نظامی بلاک وخاصتاً اتحاد شوروی.
- مصروف ساختن غرب ، مخصوصاً ایالات متحده امریکا را به مذاکرات کنترول سلاح وخلع سلاح به منظور برهم زدن بیلانس نیروی نظامی به نفع بلاک کمونیستی .
- ایجاد شرایط مساعد برای احزاب کمونیستی تا جبهه متحدی با سوسیالیستها و اتحادیه های کارگری درکشورهای پیشرفته وبا نهضتهای نشنلیستی در کشورهای روبه انکشاف .

ولی هدف مهم این طرح درداخل اتحاد شوروی و تقویب مطلوب آن ذریعه نشر اطلاعات دروغ ایجاد شرایط مناسب جهت اعمار مزید سوشیالیزم وخنثی ساختن مخالفین آنان، کشوررا بسوی کمونیزم سوق دادن وتخفیف فشار خارجی ذریعهٔ ممالک غربی بود .

اما تجدید انتقادونکوهش ازروش ستالین این بود که از عملیات نشر اطلاعات دروغ حمایت شودتا عدم اتحاد و نفاق درجهان کمونیستی که ناشی از کاهش نفوذ ایدئولوژی وظهور مجدد میلان بسوی ملی گرایی دراحزاب کمونیستی درداخل وخارج بلاک بوجودآمده است ، برطرف گردد .

دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا درسال ۱۹۶۸

تعبیرغربیها :

بطوریکه درمطبوعات کمونیستها وغرب گزارشهای نشر شدزعمای حزب کمونیست چکوسلواکیا اصلاحات مهم‌اقتصادی وسیاسی رادرخلال سال ۱۹۶۸ درچکوسلواکیا اعلان کردند ، درساحه اقتصادنیزچنین آزادیهای عملی داده‌شدچنانچه به‌روءسای فابریکه‌ها آزادی بیشتری اعطاگردیدوانگیزه مفادواصول بازاریابی قسمابکارانداخته‌شد. درساحه سیاسی نیزانکشافات جالبی بمیان آمد.منابع کمونیستی فاش‌ساختندکه‌بین محافظه‌کاران(ستالینیست‌ها) که از طرف تووتنی رئیس‌جمهوررهبری میشدولیبرالها ویاترقی پسندان، به‌رهبری دوبچک منشی حزب‌کمونیست سلواک مبارزه‌سختی درگرفته‌بود، درجنوری ۱۹۶۸ بالاخره‌لیبرال‌ها به‌رهبری دوبچک درین مبارزه‌فیروزشدندودوبچک جای تووتنی رابه‌حیث رهبرکشوراشغال کرد.

رژیم جدیدجنایاتی راکه‌ذریعه‌زعامت گذشته‌صورت گرفته‌بود، فاش‌ساخت وکیش شخصیت پرستی زعمای سابق رامحکوم وصلاحیت سرویس‌های امنیتی راکاهش وساحه حقوق سیاسی افرادراگسترش داد. سانسوربرداشته‌شد به روشنفکران آزادی بیشتراعطاگردید، شرایط مسافرت خارجی‌ها انکشاف کردوحتی امکانات تشکیل یک حکومت غیرکمونیستی موردبحث وگفتگوقرارگرفت.

وبعضی اشخاص انفرادی تولیدات خودرا عرضه میکنند و همچنان بازار سیاه کوچکی مخصوصاً درلیننگراد وماسکووجود داردکه تبادله مال با اسعار سخت بین دلالان ومحتکران روسی ودپلوماتهای خارجی وجهانگردان جریان دارد.

ولی انکشاف مارکیت های اساسی، سخت محدود است چونکه اجازه فعالیت بیشتربرای دهقانان وسایرکارگران، باقانون تشبثات خصوصی وفق نمی کنند، بلکه بر عکس تشویق زیاددرامرافزایش تولیدات متوجه تشبثات خصوصی نی بلکه کولکتیفهای زراعتی وصنایع وتجارت مربوط به دولت گردیدبدین صورت که تادولت اجازه قانونی نمیداد، تشبثات خصوصی با سکتوردولتی هرگزرقابت کرده نمی توانستندوحکومت اتحادشوروی نه تنها هیچ علایقی دال به تمایل این امرنشان نمیداد. بلکه طریق مخالفت پیشه کردودربرابرسکتورخصوصی موانع ایجادنمودوپالیسی حزب نیزتاکنون برتضعیف موقف سکتورخصوصی استوار است.

طوریکه دپلوماتهای خارجی آگاهندبازار سیاه یک عمل غیرقانونی ونهایت محدوداست. ولی آنچه مردم کمتراطلاع دارنداین است که ذریعه دیپارتمنت خاص کا، جی،بی کنترول وعملاً" به نفع خودازان بهره برداری می کنند، این دیپارتمنت درسال ۱۹۵۹ تاسیس گردید که باعین شعبه ای گی پا او GPU درمرحله پالیسی جدید اقتصادی شباهت دارد. وظیفه این سازمان جدیدالتاسیس کنترول فعالیت احتکارگران محلی وبازرگانان خارجی است وکارمندان دپلومات وسیاهان خارجی که در تبادله اسعار وغیره فعالیت دارندباج می گیرند. آمراین دپیار-

اتحادشوروی که از این انکشافات احساس خطرمیکرد ، این فعالیتها را زاده دشمنان انقلاب تعبیرکرد . درماه آگست قوای پکت وارسا به‌چکوسلواکیا مارش کردند بدون آنکه از طرف اردوی آنکشور مقاومتی صورت بگیرد . اوضاع سیاسی واروته‌شدودوبچک وسایر لیبرالها عوض شدندوبجای آن یک دست نشانده‌روس رویکار آمد .

جریده‌نگاران، دانشمندان ومامورین، غربی قسمت اعظم توجیهات وتعبیرات شان را درموردوقایع‌چکوسلوا ـ کیا ازمنابع کمونیستی بدست آورده‌بودندازبحران آن کشوربه‌حیث یک انقلاب صلح آمیزودیموکراتیک ، با شور وشعف تعبیر کردند ، آنها پدیرفتندکه‌نیروهای مترقی ومحافظه‌کاربین هم به‌مبارزه‌برخاسته‌اند . آنها رفورم دوبچک را یکنوع دیموکراتیک درسوشیالیزم با حقوق بشر تعبیرکردندواشغال چکوسلواکیا ذریعه‌قوای پکت وارسا ، احساسات همدردی را به‌نفع دوبچک رژیم اووسوسیالیزم جدیداو ، برانگیخت .

بصورت عمومی چارفکتوروجودداشت که‌غربیها را وا ـ دارمیساخت آزادی رژیم چکوسلواکیا را توجیه‌پذیربدانند نخست نهضت آزادیخواهی درکشوری آغازیافت که قبل از کودتای کمونیستها درفبروری ۱۹۴۸ دیموکراسی بصورت سنتی برپایه‌های محکمی وجودداشت . چنبش آزادی در موردچنین کشوری احیای مجدددیموکراسی تلقی میگردید. دوم اینکه‌زعمای حزبی این کشور ، درانتقادشان علیه اتحادشوروی وتمایل به‌تاسیس احزاب غیر کمونیستی و انتقادعلیه‌افسران امنیتی شوروی وچکوسلواکی نسبت‌به

جنایاتی که علیه زعما وسران آنکشوراز قبیل یان مازاریک وزیرخارجه سابق مرتکب شده بودند پا جلوترگذاشته بودند .

فکتورسوم این بودکه روسها ذریعه رسانه های گروهی خودبررژیم دوبچک ازیکطرف وتمرکزقوای پکت وارسا بر سرحدات مشترک چکوسلواکیا وپولیندا زطرف دیگرفشار زیادوارد میکردند . فکتورچارم اینکه یک تشابه نزدیک بین حوادث چکوسلواکیا درسال ۱۹۶۸ و حوادث هنگری در سال ۱۹۵۶ دیده میشد .

برحسب ادعای تحلیلگران غرب ازین حوادث ، براندا ختن نووتنی ازاریکه قدرت ذریعه ترقی پسندان با همکاری عده از اقتصاددانان آزادفکروروشنفکران ناراضی با چندتن اززعمای کمونیستی ازقبیل دوبچک باید صورت گرفته باشد ، این تحلیل ازین ناحیه یک تحلیل ضعیف است که چگونه این اتحادتوانسته موفق نه یک انقلاب دیموکراتیک را علیه یک نظام خودکامه که از حمایت قوای عسکری وسرویس امنیتی نیزبرخوردار بود ، براه اندازند بدون آنکه یک مرمی نیزآتش شود .

اسباب غرب :

یکی از اشتباهات ارزیابی غربیها در مورد چکوسلواکیا درسال ۱۹۶۸ این بودکه وقایع این سال را جدا از حوادث گذشته مورد مطالعه وتحلیل قرار دادند . متأسفانه تغییراتی که در داخل بلاک اتفاق افتاده وتطبیق پالیسی طویل المدت بین سالهای ۱۹۵۷–۱۹۶۰ شرایط جدیدی را

ایجاد کرده در نظر گرفته نشد و بالاخره از متودولوژی کینه در ارزیابی حوادث استفاده کرده بودند همچنان فراموش کرده بودند که تغییرات سیستماتیک وارد بر نشر اخبار دروغ را که ذریعه منابع تحت کنترول حکومتهای کمونیستی صورت می گرفت و ماموریت و روشنفکران نیز سهمی با رز در آن داشتند ، در ارزیابی خوددر نظر بگیرند .

تعبیر غلط از دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا :

متودولوژی جدید ، دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا را معکوس تعبیر و ترجمه میکنند . متودولوژی جدید ، حوادث چکوسلواکیا را یک انکشاف شادی بخش میداند بلکه معتقد است که این انکشاف حاصل یک مانوره محاسبه شده و تحت کنترول بوده و تطبیق اهداف پالیسی درازمدت بوده است .

یک دلیل عمده بر علیه این نظر ، این است که "دیموکراسی ساختن " چکوسلواکیا درست طوری عیار شده بود که ستراتیژی کمونیستها برای اروپای غربی ، تقاضا مینمود . دلیل دیگر این بود که در خلال هرج و مرج سال ۱۹۶۸ جکو - سلواکیا به حیث یک عضو فعال کمیکون و پیمان وارسا باقی ماند .

رعمای حزب چکوسلواکیا سرویس امنیتی و جاسوسی و رژیم بصورت کل ، درفورمول بندی ، تنظیم و تطبیق پا - لیسی درازمدت بلاک درخلال سالهای ۱۹۵۸-۱۹۶۰ سهم فعالی را به عهده داشتند .

سورتنی ، دفعتا با رعمای اتحاد شوروی مخصوصا "

خروسچف بنای مفاهمه ومشورت را گذاشت ، ورئیس جمهور چکوسلواکیا ویاران او ، مخصوصا هندریچ ، عضو حزب که مسئول ایدئولوژی وتماس با روشنفکران بود ، درفورمول بندی پالیسی ، تا جائیکه به چکوسلواکیا ارتباط داشت ، نقش اساسی را بازی میکردند .

یک هیئت حزبی چکوسلواکیا به رهبری نووتنی در کانگرس هشتادویک حزب کمونیست منعقده نوامبر ۱۹۶۰ مسکو ، اشتراک ورزید . درهمین کانگرس بودکه ستراتیژی وپالیسی طویل المدت بلاک برای نهضت بین المللی کمونیزم به تصویب رسید .

این ها یکسلسله شواهدی است دال برینکه نقش خاص ستراتیژیکی چکوسلواکیا درسال ۱۹۶۰ لااقل بشکل ظاهر نقش خودش را بازی میکرد ، و آمادگی برای مانوره دیموکراسی ساختن بلا فاصله بعدازان آغازگردید . در سال ۱۹۶۱ دوبچک ازاتحادشوروی دیدن کرد ، وباسوسلوف تیوریسن کمیته مرکزی آنکشورمذاکراتی انجام داد . در ماه جون وجولایی یک هیئت چکوسلواکی مشتمل برکارگران حربی به رهبری لینارد LENARD راهی اتحاد شوروی شدتا طرح کار CPUS سرویس جاسوسی وامنیتی اتحادشوروی ازفبروری ۱۹۲۲ تاجولایی ۱۹۲۴ راازنزدیک ببینند . در جون ۱۹۶۲ نووتنی به ریاست یک هیئت دیگر به اتحاد شوروی عزیمت کرد ، هماهنگی سرویسهای امنیتی وجاسوسی بین اتحادشوروی وچکوسلواکیا وسایراعضای بلاک دراامر تطبیق پالیسی درازمدت که ازسال ۱۹۵۹ آغاز یافت ، کاملا " سرقرار بود .

با راک ، وزیرداخله چکوسلواکیا و نماینده گان سایر وزارت خانه های کشور مذکور در کنفرانسهای امنیت و جاسوسی بلاک منعقده ماسکو مرتبا درهمین سال اشتراک میورزیدند گذشته از آن سرویسهای امنیتی و جاسوسی چکوسلواکیا به عضویت مرکز هماهنگی سرویسهای امنیتی و جاسوسی بلوک را که مرکز آن ماسکو بود ، بعهده داشتند .

از سال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۶۸ نووتنی و وزیرداخله اش (باراک تا سال ۱۹۶۱) بصورت فعالانه در امر انحلال مخالفین جعلی درچکوسلواکیا ، مطابق دستوری که شلیپن داده بود در اتحاد شوروی تطبیق میشد ، کار میکرد .

درحقیقت ، اضمحلال مخالفین ،با امحای مجدد حیثیت و عفو عمومی ، عملاً" دیگر اهمیتی نداشت . رژیم نووتنی عفو عمومی را درسالهای ۱۹۶۰-۱۹۶۲ و ۱۹۶۵ اعلان کرد که عفو عمومی سال ۱۹۶۰ آن خیلی جالب بود به دلیل اینکه جنایتکاران درین عفو نیز شامل بودند . آخرین عفو عمومی درسال ۱۹۶۸ تحت زعامت دوبچک صورت گرفت و این دوام پالیسی ای بودکه از طرف نووتنی و باراک رویدست گرفته شده بود .

نقش مؤرخین و اقتصاددانها در دیموکراسی ساختن .

یک انکشاف متوازن و هماهنگ درخلال سالهای ۱۹۶۸- ۱۹۵۹ بین پالیسی استمالت خروسچف و شلیپن و زعمای چکوسلواکیا موجودبود . خروسچف و شلیپن نویسندگان ، اقتصاددانان ، مؤرخین وسایر روشنفکران و اعضای حزب

را که تجدید حیثیت و پرستیژ شده بودند به فعالیت سیاسی واداشته بودند. چکوسلواکیا نیز از این روش پیروی میکرد.

درسال ۱۹۶۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا، دو کمیسیون از متخصصین را تاسیس کرد. ریاست یک کمیسیون را گوستاف هوساک معاون رئیس بعهده داشت و سی وشش تن از موءرخین اعضای این کمیسیون را تشکیل میداد. کمیسیون دیگر، گروپی از اقتصاددانان بود که اوتا زیک OTASIK از آن ریاست میکرد واین شخصی بود که بعداً به حیث معاون صدراعظم درحکومت دوبچک ارتقا یافت. کمیته مرکزی احصائیه های محرمانه ودوسیه های خاص را برای این دو کمیسیون آماده میساخت.

سال ۱۹۶۳، بدین جهت مهم وخاطره انگیز بود که از تصویب اجرای پالیسی درازمدت بلاک سه سال میگذشت در حالیکه ازدیموکراسی ساختن چکوسلواکیا هنوز پنج سال مانده بود. کمیسیون دردوره نووتنی تاسیس یافته بود، سپس هوزاک وازیک درجنبش دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا ازقیافه های برازنده شدند وبه حیث رقیب نووتنی عرض اندام کردند. وقتی این حقایق را کنارهم قرار بدهیم میتوانیم به این نتیجه برسیم کمیسیونی که تحت زعامت نووتنی درداخل چوکات کارپالیسی درازمدت وبه منظور پایه گذاری حوادث ۱۹۶۸، بوده است گذشته از آن درین قضیه، همکاری نزدیک بین اتحاد شوروی وچکوسلواکیا وجود داشت.

چنانچه کمیسیون اقتصادی براساس دستور خروسچف دربعه نووتنی تاسیس گردید. موءرخین شوروی خود را برای

حمایت پالیسی درازمدت درخلال همین مدت مجهز ساختند مخصوصاً اکادیمیسین خوستوف دراین فعالیت سهم مهمی بدوش داشت .

نقش باراک وزیک :

نقش باراک ، برطرفی اودرفبروری ۱۹۶۲ و اعاده حیثیت وظهورمجدداودرجامعه‌درسال ۱۹۶۸ کاملاً" معکوس تعبیروتفسیرگردد .
بارک ازسال ۱۹۵۳ تاسال ۱۹۶۱ وزیرداخله و عضو صدرهیئت رئیسه‌حزبی از۱۹۵۴ تافبروری ۱۹۶۲ بود . به حیث وزیرداخله اودرسازماندهی پالیسی طویل المدت نقش عمده‌ای راایفاکردوباشلیپن رئیس کاجی بی اتحاد شوروی ارتباط خیلی نزدیک داشت ، جنرال کورنکوف رئیس انستیتوت کاجی بی ، بعدازبرگشت یک هیئت کاجی بی ازچکوسلواکیاکه‌اوعضواین هیئت بودبه ستاف و محصلان انستیتوت گزارش دادکه‌کاجی بی روابط بسیار نزدیک باسرویس امنیتی چکوسلواکیادارد که‌سایر اعضای بلاک به‌پایه‌آن نمیرسند .
جالب توجه است که‌پلان گزاران وسکتورگراتهای جوان بشمول اوتازیک که‌به‌حیث اعضای کمیسیون اقتصادی در سال ۱۹۶۳ منسوب شدند ، ونقش اساسی رادرتصویب ریفورم اقتصادی درسال ۱۹۶۰ بازی کردندبابارک در سال ۱۹۵۰ واوایل سال ۱۹۶۰ تماس خیلی نزدیک داشتند.
وقتی بپذیریم که‌بارک دروقت پلان گزاری پالیسی طویل

المدت ونقش جدید سرویس امنیتی وجاسوسی، سهم موءثری داشت آنوقت این تکنوکراتهای جوان برای نمایش "دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا" که سخت تحت کنترول بود برای اجرای رول خودشان آمادگی میگرفتند .

بتاریخ ۹ فبروری ۱۹۶۲ درمطبوعات چکوسلواکیا اعلان شدکه باراک گرفتار وبه جرم اختلاس دارایی عامه به پانزده سال حبس با اعمال شاقه محکوم گردیدولی درماه می ۱۹۶۸ ازحبس رها وتوضیح داده شدکه پول موصوف اختلاس نشده بلکه برای سرویس جاسوسی چکوسلواکیا به مصرف رسیده است . باراک بعدا فاش ساخت که نووتنی ازترس جان خودش ، اورا ازکاربرطرف کردتا مبادا وی قربانی تکنوکراتها واقتصاددانهای جوان شودوفکرمیکردکه باراک ازطرف آنان محاصره شده است .

درصورتیکه باراک درشکل بندی پالیسی طویل المدت درخلال سالهای ۱۹۵۹-۱۹۶۱ سهیم بوده باشد ، پس گرفتاری وحبس وی درفبروری ۱۹۶۲ یک حرکت جعلی وساختگی است وبه منظورتحریف تحلیلگران غربی، درباره کیفیت واقعی مناسبات با تکنوکراتها بگونه سیک میتوان تلقی گردد . همچنان امکان داردبرای این شخصیت برجسته پولیس مخفی بعنوان یک اصلاح طلب لیبرال وقربانی اعمال نووتنی یک اعاده حیثیت جعلی تهیه کرده باشندواین خود کارسیاستمداران را درظهورمجددا ورا دررژیم جدیددرسال ۱۹۶۸ آسان میساخت . درینجا یک انگیزه دیگرنیزدرباره صحنه سازی زندانی شدن باراک بی بنیادساختن گزارش موءلف این کتاب ، درموقع پناهندگی به غرب در سال

دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا در سال ۱۹۶۸

۱۹۶۱ بوده باشد زیرا کا جی بی حتما کشف کرده باشد که مولف ازتماس نزدیک زعمای کا جی بی وسرویس امنیتی وجاسوسی تحت اداره بارک آگهی کامل داشته است .

همچنان شایعاتی موجود بود که بارک بجای اینکه مدت حبس خودرا درزندان سپری کند ، محرمانه به ماسکو فرستاده شدتا درمرکزهماهنگی جاسوسی وامنیتی بلاک در مسکو ازحکومت چکوسلواکیا نمایندگی کند .

ظهورمجددا ودرچکوسلواکیا درماه می ۱۹۶۸، شاید به این منظوربوده باشدتا مسئولین هماهنگ کننده پشت پرده را درحوادث این سال به عهده بگیرد . موجودیت این شخص بحیث مغزمتفکردرپلانگزاری درخلال بحران، در محل جریانات ، یک امرضروری شمرده میشد .

روابط سیک با زاک وتقرروی ازطرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا تحت زعامت نووتنی بحیث رئیس کمیسیون اقتصادی درسال ۱۹۶۳ نقش اورا درتطبیق ریفورم اقتصادی، حمایت وی ازدوبچک درسال ۱۹۶۸ — و شرکت وی درحکومت دوبچک ، نباید مظهری از خواستهای شورانگیزشخصی خودا وتلقی گردد بلکه اجرای یک وظیفه ای بود که حزب بمنظورتطبیق پالیسی طویل المدت به اوواگذارکرده بود .

مقرری او درسال ۱۹۶۳ مصادف به دوره ای بود که در اتحادشوروی حرفهای ازاقتصاد آزاد زده میشدوشاک را — لیبرمن چکوسلواکیا میدانستند ، ولهذا این مقرری، یک امرتصادفی نبود .

نقش نویسندگان دردیموکراسی ساختن :

اگربه نقش حزب درتطبیق ریفورم اقتصادچکوسلواکیا آگهی حاصل آیدواگرفهمیده شودکه حزب کمونیست اتحاد شوروی تووا ردوسکی TVARDOVSKIY وکوشیتوف KOCHITOV را بحیث لیدران لیبرال و" محافظه کار " در اتحادیه نویسندگان تراشیدند ، آنوقت رول نویسندگان چکوسلواکیا را دردیموکراسی ساختن کشورشان درسال ۱۹۶۸ بهترمیتوانیم درک کنیم .

وقتی خروسچف درسال ۱۹۶۳ به حزب کمونیست چکوسلواکیا دستورداد به تاسیس یک کمیسیون اقتصادی بپردازد بعیدنیست که اویا شلیپن به حزب وسرویس امنیتی چکوسلواکیا دستورداده باشدکه بگونه تووا ردوسکی وکوشینوف نویسندگان اتحادشوروی، نویسندگان چکوسلواکیا را در یک نهضت کنترول شده وقلابی لیبرالیزم مورد استعمال قراربدهند . نویسندگان چکوسلواکیا دربرطرفی نووتنیو جانشینی عوضش دوبچک نقش برجسته ای بعهده داشته . بر سبیل تمثیل ، درکانگرس نویسندگان منعقده می - جون ۱۹۶۷ لودویک واچولیک نویسنده لیبرال چکوسلواکی ،یک عضوکمیته مرکزی وعضوهیئت تحریریه مجله لیترارنی لیستی LETERARYLISTY ویکتن ازمعتمدین دوبچک بود . گذشته از ان این شخص یک سلسله بیاناتی ایراد کرد که از آزادی بیان مایه می گرفت . دریک مقاله دیگرتحت عنوان " سوسیالیزم دیموکراتیک علیه نیوستالینست " سخت

تمنت سرگی میخا یلویچ فیدرسیف بودودرکا رخودمخصوصا "
ا ستخدا م ا مریکا ئیها بخوبی موء فق بودکه‌درسا ل ۱۹۶۱ به
حیث رئیس دیپا رتمنت ا مریکا ئی ا رتقا نمودومسئولیت
بهره‌بردا ری ا را مریکا ئیها یی سفا رت کشوررا در مسکو
به‌عهده‌گرفت .

گرا یش بسوی تجا رت خصوصی ا زهما ن آ غا ز ا نقلا ب
ا کتوبر ، درا تحا دشوروی وجوددا شته‌ا ست منتهی ا خبا ر
گرفتا ریها ی ا ختلاسگرا ن ومحتکرا ن که‌به‌سرما یه دولت
صا حب پو ل ومکنت شده‌ا ند ، درمطبوعا ت ا نعکا س نیا فته
ا ست .

ا گردربین سا لها ی ۶۲-۱۹۵۹ ا ین چنین گرفتا ریها ،
درمطبوعا ت با زتا ب می یا فت درین صورت غربیها گما ن
نمی کردندکه‌سرما یدا ری با ردیگردرا تحا دشوروی رونق
گرفته‌چیزیکه‌خودروسها نیزمشتا ق آ ن نیستندوچون ا ین
کا رنشدعقیده‌برا ن رفت که‌رژیم ظا هرا " آ شا روعلایم "سر-
ما یدا ری را ا زبین میبردولی درعین حا ل میخوا هدسرما -
یدا ری ثبا ت وا ستقرا ریا بد .

بعدا رختم سا ل ۱۹۵۰ تدا بیری به‌غرض تجدیدسا زما ن
دهی ا تخا دگردید . وقدرت زیا ددرا مرتدویرومنیجمنت
صنا یع محلی دا ده‌شدبدون آ نکه‌کنترول مرکز مقا بلتا "
ضعیف گردد . شورا ی محلی ا قتصا دتوده‌ا ی تأ سیس یا فت و
سلطه‌ما مورین ا قتصا دی، شدیدترشد .

درترمینولوژی غرب ، ا ین ما مورین را به حیث
" کنوکرا تها " تعریف می کنندوهمین ها هستندکه‌مؤسسات
صنعتی را تحت کنترول خوددا رندا ما آ نچه‌نا ظرا ن غربی را

حمله وتقا ضا کرد با ید علیه این نهضت مبا رزه شدیدی آغاز گردد .

منکو MONACKO علیه نووتنی به انتقاد پرداخت ، انتونی لیچم AMTONY LICHIM یکتن از بنیان گزاران مجله لیترانی نونووینی علیه سانسور وخشونت پولیس مقالاتی به نشر سپرد . یک نویسنده دیگر نامحرمانه الکزاندر شولز نیتسین ALEXANDOR SOLSCHENIZYN را که مخالف با سانسور بود در کانگرس قرائت کرد .

انتقاد بر شیوه نیوستالنیزم جنجال برانگیز بود . اما واکومیک کلیما ولیچم ، آنانیکه درین انتقادها سهم داشتند وخواهان دیموکراسی شدن بودند ، جملگی درهمین فرصت اعضای کمیته مرکزی حزب بودند . این دلایل ،لا اقل این امکانات را تائید میکند که آنان برحسب دستور حزب ، اکت میکنند . شایان توجه است که سه ماه بعدتر (سپتمبر ۱۹۶۷) این ارباب قلم از حزب اخراج شدند . اتهام شان این بود که آنان تبلیغات ضد کمونیستی را در کانگرس نویسندگان پخش واشاعه میکنند . با فهم متود " تحریک " که ذریعه سرویس امنیتی کمونیستها بکار برده می شود ، اخراج این نویسندگان میتواند قدمهای باشد به منظور تظاهر آنان به حیث منتقدین مستقل رژیم وهواخواهان جدی سوسیالیزم دیموکراتیک ، تلقی گردد . درست در همین فرصت اخراج آنان از کانگرس نویسندگان میتوانند سعی برای پوششی باشد که حزب وظیفه محرمانه ای با یشان سپرده است .

بعضی از اکت ها ونطق های نویسندگان چکوسلواکیا

بصورت مثال خطابه‌واکولیک ، تقلیدی ازاکت وخطابه‌های نویسندگان مجارستانی درسال ۱۹۵۶ میباشد .اکنون این سوال مطرح میشودکه‌آیا اکت‌ها وخطابه‌های نویسندگان چکوسلواکیا واقعا مظهرشوق ورغبت خودشان به اصلاحات سیاسی واجتماعی بوده‌است ویا اینکه‌بدستورکمیته‌مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا ودیپارتمنت ایدئولوژی طرح یک پروگرام کنترول شده‌ریفورم راپیاده‌کردند ومنظور شان آن بودکه‌رژیم چکوسلواکیا راشبات واستقرار بخشدوبرای پیشبردمقاصدستراتیژی بلاک دربرابراروپای غربی مصدرخدمت گردند .

جالب توجه‌است که‌واکولیک دربیانیه‌اش بعد از تقبیح مرحله‌اول ستالینستی دررژیم چکوسلواکیا ، به مرحله‌دوم که‌سوسیالیزم دیموکراتیک به‌مرحله‌تحقق می درآمدپاگذاشت . امکان داردکه‌این کاربغرض پنهان نگهداشتن پلانهای بعدی صورت گرفته‌باشد .همچنان این احتمال میرودکه‌این خطابه‌ها ذریعه‌کمیسیون موءرخین که‌درسال ۱۹۶۳ تاسیس شده‌بود ، تهیه‌شده‌باشد .

واکولیک درمارچ ۱۹۶۷ فاش ساخت (دو ویا سه‌ماه قبل ازانعقادکنفرانس نویسندگان، که‌وی در مجلس دیپارتمنت ایدئولوژیکی کمیته‌مرکزی که‌دران راجع به آزادی فعالیتهای ایجادگرانه ، بحث ومذاکره‌می شد شرکت داشت) .

واکولیک وسایرنویسندگان بتاریخ ۲۷ جون ۱۹۶۸– درمجله‌هفته‌وار لیترارنی لیستی LITERARNY تحت عنوان " دوهزارکلمه " اعلامیه‌ای بچاپ رساندندبعداین

اعلامیه خط مشی جناح مترقی حزب ذریعه مطبوعات شوروی وسایر کمونیست های قدیمی، به حیث اعمال ضد انقلاب مورد تقبیح قرار گرفت. در برخی از ین نوشته ها، بوی از دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا به مشام میرسید. در حالیکه خودرا پروگرسیتف معرفی میکردند از گردانندگان حزبی و ارگانهای امنیتی بودند و تطبیق قرارداد های دوستی موءدت با متحدین را از مردم تقاضا می نمودند. درینجا البته مراد از متحدین اتحاد شوروی وسایر کشورهای پکت وارسا میباشد.

چند جمله از ین اعلامیه را ذیلاً "تقدیم می کنیم:

درقدم اول، ما با این نظر مخالف هستیم که احیای مجدد دیموکراسی میتواند بدون کمونیزم و یا علیه آن بکار بیفتد. این طرز تفکر نه تنها غیر عادلانه است بلکه غیر معقول نیز پنداشته میشود.

نظام کمونیستی دارای سازمانهای است که درست مستقر شده و ثبات یافته است. گرایش این سازمانها بسوی ترقی پسندی رضائیت بخش است. گذشته از ان درکار شان مهارت کافی اندوخته اند و تحت کنترول قرار دارند. گذشته از ان پروگرام عملیاتی ای تهیه کرده اند که می خواهند درمعرض دید عوام بگذارند. هدف این پروگرام جبران بی عدالتی عظیمی است که درحق مردم روا داشته شده و این یگانه پروگرامی است که نظیر آن درگذشته وجود نداشته بگذارید که جبهه ملی را با ردیگر احیا بگردانیم. باید از سرویس امنیتی که درتعقیب جنایتکاران و دشمنان جامعه هستند، قدردانی کنیم. ما تصمیم بران نداریم که

انارشی را دامن بزنیم ویا امنیت عامه‌را اخلال کنیم. ما به متحدین خودا طمینان میدهیم که‌به‌معاهدات موءدت ، اتحادوتجارت که‌بین کشورهای پیمان وارسا عقد شده ، احترام می گذاریم...)

وقتی مادرراه‌پروسس دیموکراسی ساختن ، منافع وعلایق حزب وسرویس امنیتی رادرنظربگیریم واین راهم بپذیریم که‌همه‌این فعالیت تحت نظارت وکنترول حزب و پیمان وارسا پیش میرودآنوقت به‌این قناعت میرسیم که نویسندگان فعالیتهای شانرابراساس دستورحزب ، انجام می‌داده‌اند.

مبارزه‌بین ترقی پسندان دوبچک ومحافظه کاران نووتنی، اگراقتصاددانها ونویسندگان لیبرال رابحیث نخستین دونیروی نهضت دیموکراسی ساختن درسال ۱۹۶۸ بشماریم، انکشاف دیگرمبارزه‌درون حزب بین پرگرسیف برهبری دوبچک وگروپ محافظه‌کاربه‌رهبری نووتنی به‌حساب می آیند. درین مبارزه‌ترقی پسندان دوبچک فیروزشدند.

به‌همه‌حال نووتنی ازنسل ستالینست ها بودومخالف سوابق زعامت ستالین وگوتوالددراحزاب کمونیستی اتحادشوروی وچکوسلواکیا بودواوتاستالین، از صحنه بیرون نشدزعامت چکوسلواکیا رابعهده‌نپذیرفت . وتحت زعامت اوبودکه‌وی وخروسچف به‌شدت هرچه‌تمامتربه‌تقبیح اعمال ستالین دردوره ۶۰-۱۹۵۶ پرداختندواین همان سالهایی بودکه‌محبوسین سیاسی حزب اعاده‌حیثیت شدند.
ازین لحاظ این قابل سوال است که‌اتهام نیوستالینزم

علیه‌نووتنی، ذریعه‌ترقی پسندا ن به‌موردنبوده‌ا ست .

چون با زا رجغل وجعلکا ری درا ن وقت‌گرم بودلهذ ا این نظریه‌را تا ئیدمیکندکه‌آ نا ن دردا خل چوکا ت پا لیسی طویل ا لمدت ونشرا خبا ردروغ ، فعا لیت میکردند .ظا هرا " با دا شتن ا حسا سا ت آ زا دی خوا هی خوشوقتی میکردند د ر حا لیکه‌درحقیقت ا مرهمه‌ا ین حرکا ت منظم پلانگزا ری شد ه وتحت کنترول بودتا زمینه‌را برا ی رهبرا ن حزبی نسل جدیدآ ما ده‌بگردا نند .

درینجا بیموردنیست تذکردا د ه‌شودکه‌دوبچک درنقش رهبرمخا لف نووتنی ونما یش موجودیت مخا لفت در دور ن حزب ا نتخا ب گردیددرحا لیکه‌هردوهدف مشترک را پیش می بردند .

دوبچک ما نندنووتنی، هرچندا زنظرسن ومقا م حزبی درصف پا یین تری قرا ردا شت ولی هردومولودما شین حزبی ستا لین بودندکه‌برعلاوه‌پس منظری ا زکمونیزم‌ملیتا ریزم را نیزبا خوددا شتند .

دوبچک ا صلا" ا هل سلوا ک بودا زسا ل ۱۹۲۲–۱۹۳۸ در ا تحا دشوروی میزیست وبا مقا ما ت آ نکشورمنا سبا ت خیلی عمیق دا شت . درسا ل ۱۹۳۹ به‌عضویت حزب کمونیست چکوسلوا کیا پیوست ودرخلال چها رده‌سا ل ا خیربا حما یت ستا لین ، پیوسته‌مرا تب پیشرفت خودرا پیمود . درسا ل ۱۹۵۳ که‌مصا دف با مرگ ستا لین بوددوبچک به‌حیث منشی حزبی شهرسلوا کیا منصوب گردید .

بقول سا لمون که‌ا ثرش تحت عنوا ن روزنا مچه‌بزر گ شهرت دا رد ، دوبچک ا تحا دشوروی را دوست دا شت وبه آ ن

احترام میگذاشت .

بین سالهای ۱۹۵۵–۱۹۵۸ درلیسه عالی حزبی واقع مسکوکه تحت سرپرستی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اداره میشد ، به تحصیل پرداخت . دراین لیسه ، زعمای آینده اتحادشوروی وسایراحزاب کمونیستی تربیت میشدند . دوبچک تاسال ۱۹۵۸ مشغول تحصیل بودکه پالیسی طویل المدت طرح وتنظیم میشدوبعیدنیست که دوبچک بادر نظرداشت چنین سوابق دوستی بااتحادشوروی وآموزش در مکتب فوق الذکرازطرف کمیته مرکزی به حیث رهبر" ترقی پسندان" برگزیده شده باشد .

دوبچک درسال ۱۹۶۳ به حیث منشی سلواک حزب کمونیست وعضوهیئت رئیسه ارتقاداده شدواین مصادف بسالی بودکه سیک به حیث رئیس کمیسیون اقتصادی وهوزاک به حیث رئیس کمیسیون موءرخین مقررشده بودند . و لهذا احتمال میرودکه دوبچک درسال ۱۹۶۲ برای اجرای چنین رولی انتخاب شده است .

یک سلسله سوالاتی درموردانقلاب خاموش " مطرح شده است که داستان " انقلاب آرام " رادچارشک وتردیدمی نماید . بعضی ازین سوالات که پاسخ نیافته بدین قرار است :

- چرااکثریت محافظه کارهیئت رئیسه بنفع دوبچک رأی دادند . وچرانووتنی خودش به کاندید شدن دوبچک مخالفت نکرد .
- کمیته مرکزی وماشین حزب که ازحامیان " محافظه کار" وابسته به نووتنی تشکیل گردیده بود از

تعویض دوبچک بجا ی نووتنی چرا جلوگیری نکردند؟

- چرا رهبرا ن نظا می وا منیتی محا فظه‌کا را ز قبیل لومسکی وزیردفا ع وما مولا رئیس ا منیت نظا می ، رهبرا ن نظا می وملیشه‌پرا گ که‌کودتا ی ۱۹۴۸ ر ا برا ه‌ا نداخته‌بودند علیه‌دوبچک که‌موقف شا ن ر ا تهدیدمیکرد ، وا مکا ن با زگشت زما نا یمری نا ز و به‌مخا طره‌ا نداختن بنیا ن رژیم را ا یجا دمینمود، علیه‌دوبچک به‌مخا لفت برنخا ستند .

- چرا هندریچ ، محا فظه‌کا را فرا طی وا ز حا میا ن نووتنی که‌تا زه‌ا زسفرمسکوبرگشته‌بود ، رئیس دیپا رتمنت ا یدئولوژی حزب وکنتورلرروشنفکران ا زسا ل ۱۹۵۸ به‌ا ینطرف درا نتخا ب دوبچک مخالفت نکرد ، خلاصه‌ا ینکه‌چرا سیا ستمدا را ن چکوسلوا کیا درجلسه‌سری کمیته‌مرکزی درجنوری ۱۹۶۸ ا ز دوبچک حما یت وا ورا به‌حیث منشی عمومی حزب کاندید کردند ؟

- چرا ا ینهمه‌محا فظه‌کا را ن، دوبچک را بدون مقاومت پذیرفتنددرحا لیکه‌میدا نشتندکه‌طرف مقا بل بـا شوروشوق ، ا نقلابی را برا ه‌ا نداخته‌ا ندآ یا آ نا ن برا ی نا بودی خود ، زمینه‌را فرا هم میسا ختند ؟

- چرا دوبچک درست درهما ن آ غا زکا ردرما رچ ۱۹۶۸ـ کا ردا را نی ا زقبیل لومسکی وما نورا را ا ز عهد ه ها ی شا ن دورنکرد؟

- چرا درحا لیکه‌خودش ا زسا نسورمطبوعا ت حما یت می کرد ، ا زدیموکرا سی سا ختن مطبوعا ت حما یت مـی

کرد وعلیه‌سا نسوررأ ی دا د؟
- درصورتیکه‌نووتنی شخص نا مطلوب بود ، چرا بعد ا زبرکنا ری موردا ذیت قرا رنگرفت ؟
- چرا سیا ست خا رجی دوبچک دنبا له‌هما ن سیا ست پا ریته‌بر طبق موا زین محا فظه‌کا ری وضدنا تو و ضدا یا لات متحده‌ا مریکا وضدا سرا ئیل بود؟
- چرا لیدرا ن به‌ا صطلاح "پروگرسیف" ا ز ا شغا ل نظا می چکوسلوا کیا ذریعه‌قوا ی بلا ک کمونیستی حسن ا ستقبا ل کردند؟

ا گررژیم دوبچک با لقوه‌یک رژیم دیموکرا سی میبود می با یست ا عضا ی کهنه‌کا روما مورین عا لیرتبه‌را که مسئول ا ذیت مردم درگذشته‌بودند ا زکا رسبکدوش میکرد. تنها سه‌صدتن ا زما مورین وزا رت دا خله‌مسئول معرفی وبر طرف شدندوا ین بسا ن قطره‌ا بی بودکه‌ا زیک رودخا نه‌گرفته شده‌با شد .

گا ردقدیم، محا فظه‌کا را ن وترقی پسندا ن جدید که حتی برخی ا زآنا ن قربا نی شکنجه‌وا ذیت محا فظه کا را ن بودند ، درکنا رهم رژیم سوسیا لیزم دیموکرا تیک را پیش میبردند .

درواقع ، تغییربسیا ربزرگ ، با زگشت ا عضا ی حزب تجدیدحیثیت شده‌بودندتلقی میگرددوا ین کا رنیزخا ص به منظورنما یش چهره‌جدیدرژیم کمونیستی بودکه‌درجمله‌آنان هوسا ک ومعا ون صدرا عظم (که‌درسا ل ۱۹۶۰ ا ززندا ن آزا د شد) سمورکوفسکی رئیس ا سا مبله‌ملی (در۱۹۵۵- آزا دشد) وپا ول وزیردا خله (که‌درسا ل ۱۹۵۵- آزا دشد) چهره ها ی

برجسته این دسته را تشکیل میداد .

بازگشت آنان به جامعه ، تحقق یک پالیسی حساب شده درمورد اعاده حیثیت اشخاص وپیروی از خط مسکو گفته میشد . به ارتباط این موضوع باید بخاطر آورد که گومولکا وکادار ، که به حیث رهبران حزبی درپولیند وهنگری ترفیع مقام کردند ، اساساً ازجمله اعضای حزب بودند که حیثیت خودرا بازیافته بودند .

اعاده حیثیت درچکوسلواکیا ، شکل جالبی داشت به این معنی که ماموریِن سابق حزب کمونیست مشمول این موهبت میشدند ولی زندانیان سیاسی غیرکمونیستی ازین اعاده حیثیت ها برخوردار نگردیدند .

قانون اعاده حیثیت درجون ۱۹۶۸ به تصویب رسید . مطابق این قانون تجدیدنظربرقضایای مشخصی را توصیه میکرد ولی برفیصله محاکم که تازه عناصرضدانقلاب را مجازات کرده بودند اثری نمی گذاشت .

شاهددیگری ازتداوم سیاست رژیم جدیدوسابقه ، موضوع گوتوالدکه به قرار احصائیه رسمی وی مسئول قتل وکشتار یکصدوسی هزارنفرگفته میشد ، ولی این اتهام در رژیم جدیدتردیدنگردید . برعکس دوبچک بیوه ها ومعیوبین قربانی ماموریِن رسمی را براساس دستورگوتوالد ، با اعطای نشانها ومدالها تلافی کرد ، درحالیکه تحت رهبری گوتوالد پدران وشوهران شان ، به دیار مرگ سوق داده شده بودند . وشگفت آورتر این است که وابستگان این قربانیان نیز " وسایل زینتی " را پذیرفتند .

خصلت " دیموکراسی " ساختن چکوسلواکیا وقتی با

قضا یا ی هنگری که‌درسا ل۱۹۵۶ ا تفا ق ا فتا د ، مقا یسه‌شود، شبا هت زیا دی درا ن میتوا ن سرا غ کرد .

ا نقلاب هنگری یک قیا م توده‌ا ی بود ، برا ی ا ینکه مدتی دوا م کرد ، ما هیت وا قعی سیستم ما شین حزبی و سرویس ا منیتی را برملا سا خت . زعما ی غیرحزبی را بجا ی زعما ی حزبی رویکا رآ وردند . برخی ا زرهبرا ن حزبی ا ز قبیل ا یمری نا ژ ، با حزب مقا طعه‌کردوطرف مردم را گرفت ا زطرف دیگردرچکوسلوا کیا نهضت " دیموکرا سی سا ز ی" بنا م ا نقلاب آ را م ذریعه‌خودحزب پیشبرده‌شد .اساسا ما شین حزبی ا ردووسرویس ا منیتی دست نا خورده‌ما ند .درحقیقت دوا م رژیم سا بقه‌بودنه‌مقا طعه‌بنیا دی. رهبران سالخورد ه کمونیستی ا گرعوض شدندجا ی شا نرا رهبرا ن جوان کمونستی ا شغا ل کردندوبه‌ا ین ترتیب قدرت ا نحصا رگرا نه حز ب وا یدئولوژی آ سیبی ندید . ا نقلاب مجا رستا ن درروزگا ر بحرا ن بلا ک کمونیستی ا تفا ق ا فتا دوآ نرا مولود ا ین بحرا ن میدا نستنددرحا لیکه‌ا نقلاب چکوسلوا کیا وقتی ر خ دا دکه‌بلا ک ا زبحرا ن نجا ت یا فته‌ودرپی تحقق پا لیسی طویل ا لمدت بودند .

عکس ا لعمل ا تحا دشوروی درسرا سرا ین وقا یع نیز عجیب ا ست . با وصف ردوبدل ا نتقا دا ت علیه‌یکدیگر ، بین زعما ی ا تحا دشوروی وچکوسلوا کیا دیدوبا زدید ها ی درکشورها ی همدیگرصورت گرفته‌ا ست عکس ها ی ا زبغل کشی برژنف ودوبچک درمطبوعا ت به‌نشرمیرسیدا ینکه‌بین ا ین رهبرا ن چه‌مطا لبی عملا" بحث ومذا کره‌میشدکسی ا طلا ع ندا رد . جزا شا را ت محدودی که‌ذریعه‌رژیمها ی کمونیستی

سخت دچار شک وتردید میگردانداین است که این جمعیت به اصطلاح " تکنوکراتها " درواقع از اعضای حزب هستند که دررشته‌ادارەوصنایع ویایک سلسله‌رشته‌های خاص دیگر ، تربیه‌شده‌اندولهذادرمحل کاروووظیفه‌شان خط حزب رادنبال میکنندوذریعه‌همین تکنوکراتهااست که‌حزب کمونیست صنایع دولتی راسخت تحت کنترول ومراقبت قرار داده است که‌دراثرتغییرات جدیده پلانهائیکه‌طرح میشودنسبت به‌گذشته‌جامع تروبه‌شکل موثرتری ترتیب وتنظیم شده است .

ازسال ۱۹۶۲ به‌بعدیک سلسله‌مباحثات طولانی در مطبوعات رسمی شوروی براه‌افتادکه‌انگیزه‌سودجوئی را به‌اساس " اقتصادمنظم مارکیت " که‌براساس ایجادسیستم ترست فابریکه‌بودعنوان کرده‌بودند .

پروفیسرلیبرمن، اقتصاددان اتحادشوروی دراین مباحثه‌ومذاکره‌رول بسیارعمده‌ای رابازی میکرد . بر اساس نظریه‌لیبرمن، فابریکه‌ها نبایداضافه‌ازپلان تولید کنندوپلان تولیدهم برپایه‌فرمایش تجارتی استوارباشد. درداخل چوکات پلان اساسی، فابریکه‌ها بایددرموردا جرت ها ، قیمت‌گذاری ومفادارادەآزاددا شته‌باشند . برپایه نظریه‌این دانشمندیک بخش ازسودحاصله‌درحساب جداگانه بودیجه‌گذاشته‌شودتابعدا بعنوان مکافات به‌منیجروکارگران فعال پرداخت گردد .

ابتکاردولت که‌متکی به‌اعتماداست وبرپایه‌منفعت فعالیت میکندتشویق حکومت رابرمی‌انگیزد .

درواقع امربعضی ازشرکتهای به‌این نوع ازسال

صورت می گرفت . محا فل غرب علایم روا بط حسنه بین چکو سلوا کیا وا تحا دشوروی را یا به نظرشک وتردید مینگریستند وآنرا پوششی برا ی پنها ن نگهدا شتن ا ختلافا ت آ نهاتعبیر میکردند . حرکت قوا ی پیما ن وا رسا ، درسرحدا ت پولیند، چکوسلوا کیا مظهرا ین تصمیم بودکه نمی خوا ستند حوا د ث سا ل ۱۹۵۶ تکرا رگردد وا ین آ نقدربا ا رزش بودکه ا زطوا هر ا مرنتوا ن تشخیص نمود وحرکت ا ین قوا بدا خل چکوسلوا کیا برطبق ا ین تحلیل ا قدا می بودکه بلا ک برا ی تقویه رژیم میکرد وقبلا" روی آ ن موا فقه شده بود . مخصوصا که حـــز ب چکوسلوا کیا درین فرصت ا وضا ع را زیرنظردا شتند .ا زطر ف دیگرفرصت مغتنمی بودبرا ی تحرک سربا زا ن بلا ک تا در یک کشورکمونیستی بعنوا ن ا یجا دا ستقرا رثبا ت رژیـــم ما رش کنند . مخصوصا جا لب ا ست که ا ین سربا زا ن ا ز کشو ر ها ی بودندکه درگذشته درمقا بل(پولیند ،هنگری وا لما ن شرقی) مخا لفت میکردند ، درموضوع چکوسلوا کیا ا زا ن هـا ا ستفا ده کردند ، ا ما هدف مهم وا سا سی ا زمدا خله نظا مــی بلا ک درچکوسلوا کیا ا ین بودکه نشا ن بدهندا یا لات متحد ه ا مریکا ونا توقدرت مدا خله درین کا ررا ندا رندومخا لفیــن دا خلی چکوسلوا کیا ویا یک کشورکمونیستی دیگربـــدو ن مدا خله غربیها بیدرنگ سرکوب خوا هندگردید .

خلا صه :

درصورتیکه زعما ی چکوسلوا کیا درفورمولبندی پا ـ لیسی درا زمدت بین سا لها ی ۱۹۵۸و ۱۹۶۰ سهم گرفته با شند،

درصورتیکه سرویس های جاسوسی وامنیتی این نظام درپلان گزاری وتطبیق عملیات نشراخبار سیاسی دروغ، به حمایت این پالیسی، درگیربوده باشند، درصورتیکه اصلاحات اقتصادی سیک SIK وسایرین ازسال ۱۹۶۳ به بعد تحت رژیم نووتنی، تهیه گردیده باشد، درصورتیکه شواهد این نکته را ثابت کندکه تقاضای نویسندگان برای دیموکراسی ساختن چکوسلواکیا، روی شوروشوق خودشان نبوده بلکه برطبق دستورهندریج HENDRYCH صورت گرفته باشد، درصورتیکه مبارزه بین ترقی پسندان ومحافظه کاران تحت کنترول ونظارت دوبچک ونووتنی، تنظیم شده باشد، دران صورت بدون تردید، به این نتیجه میرسیم که این" انقلاب خاموش" یک انقلاب کنترول شده وتحت نظارت دستگاه رهبری حزب بااستفاده ازتجارب اتحادشوروی، بمنظور نشان دادن یک نهضت دروغین اپوزیشن هدفی دیگردرخود مکتوم نداشته است.

هرچندنمی توان انکارکردکه درسال ۱۹۶۸ پاره ء اصلاحات اقتصادی درچکوسلواکیا پدیدآمدامااین یک اشتباه خواهدبوداگرما این اصلاحات راآنطوریکه کمونیست ها درظاهروانمودمی کنند، آنرانمونه علاقه وشوق ویا به منظوررسیدن به مرحله دیموکراسی تلقی کنیم.

این عملیه تحت کنترول وابتکارحزب که قوماندهٔ آن بعهده گولدشتوکر GOLDSTUKER گذاشته شده بود،واین شخص یکی ازچهره های مهم این پلان بشمارمیرفت جریان داشت. اوباری گفته بودکه ماسعی کردیم تاموءثریت کنترول قدرت رادرداخل سیستم خویش بسط وتوسعه بدهیم.

انقلاب خاموش ذریعهٔ نمایندگانی که اعاده حیثیت شده‌بودند واقتصاددانان، مؤرخین ونویسندگان و گروه جعلی" ترقی پسندان" براه افتاد، بازی ماهرانه وخلاقانه‌حزب بودکه‌با استفاده‌از تخنیک فعالیتهای سیاسی ونشر شایعات دروغ آنرا عملی ساخت. انقلاب خاموش چکوسلواکیا با انقلاب ملتهب وتوفنده مجارستان هرگزمقایسه شده نمی تواند. بلکه‌این نماینده‌ای ازپیشرفت مزیددراپرېشن کنترول شده‌دروغگوئی درسراسربلاک شرق به منظور تطبیق ازپالیسی درازمدت بوده‌است. درجمله‌این فعالیتها برخی عناصرنا مطلوب چکوسلواکیا نیزدیده میشد از قبیل قنیه، جان بازارک (که‌قضیه‌بصورت کامل تاکنون ناگفته‌مانده‌است).

وفا بەنشرسپردەاست

۱- دځنا وروفا رم- لیکوال : جارج اورول
ژباړن : پروفیسررسول امین
۲- روسهای عظمت طلب وتیوری نشنلزم نوین
موءلف : پروفیسرتیواری
مترجم : شفق ستانیزی
۳- دروس فاسدەتولنە ، پەدرې جلدەکې
لیکوال: کانستنتین میخائیل سیمس
ژباړن : محمدآصف اکرام
۴- دکی،جی،بی دننه (پەدوەجلدەکې)
لیکوال: الکسي مايکوف
ژباړن : اخترمحمد
۵- کمپهای مرگ کولیما
اثر: رابرت کانکویست
مترجم: ز،ع، ممتاز
۶- دروغهای جدیدبخاطردروغهای قدیم (جلداول)
اثر: اناتولی گایستین
مترجم: سیدفقیرعلوی
۷- شوروی اتحادا وپرا راچونه (تروریسم)
اثر: رابرتاگورین
ژباړن : محمدآصف اکرام
۸- تلاشهای روس برای اشغال افغانستان
موءلف : عبدالکریم محب
۹- دکیمیاوی زهرجنوموادوپەبرخەکی لمړنی لاربووني
موءلف : داکترتاج الدین ملت مل
۱۰ - طبقه نوین ، اثر : میلوان جیلاس
ترجمه : ج،ح ابراهیمی

Series No: 16

NEW LIES FOR OLD

The Communist Strategy of Deception and Disinformation

By an ex - KGB Officer

ANATOLIY GOLITSYN

Translated into Dari
By
Sayed Faqir Alawi

Part Two

Copies 2000

Published:

By

WRITER'S UNION OF FREE AFGHANISTAN

۱۹۶۲ تأسیس گردیدازقبیل فابریکه‌های کوچک بوت دوزی بصورت تجربوی به‌شکل کمپلکس درلووو گورکی و شهرهای دیگربمیان آمدشباهت این ریفورم به‌کاپیتالیزم مولود یک نظرسطحی است موءثریت این عمل نظارت حزب را بر تاسیسات صنعتی نه‌تنها ضعیف نمی گرداندبلکه‌برپیمانه کنترول حزب می افزاید.

اختلافات بنیادی بین سیستم های روسیه شوروی و نظامهای سرمایه‌داری درقدم نخست وابتدائی درپرنسیپ های مالکیت ومنجمت، درتوزیع وعایدملی و ابقای قدرت سیاسی است.

سرمایه‌گذاری عظیم اتحادشوروی هنوزهم برصنایع ثقیل ومخصوصاصنایع جنگی وافزارنظامی وراکت های هستوی استوار است.

تذکراین مطلب لازم است که‌ریفورمهای اقتصادی انعکاسی ازتجارت (NEP) پالیسی جدیداقتصادی است. برخی ازنظریات لیبرمن ازقبیل ایجادتراست ها درصنایع، مستقیماازمودلهای NEP نمایندگی می کندولی درحقیقت تغییرات سال ۱۹۶۰ نسبت به‌مودل ۱۹۲۰ نارساتربود به این معنی که‌بعدازسال ۱۹۶۰، تشبثات خصوصی، اجازه فعالیت نداشتندوزراعت همچنان به‌شکل اشتراکی باقی ماند. ریفورمهای که‌درسال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ واردآمد نظیر یک تغییرفاحش دررژیم نبودبلکه‌قدمهائیکه‌ذریعه رژیم برداشته‌میشد، بسیاردقیق واحتیاط آمیزبودوازچوکات پالیسی طویل المدت عدول نمی کرد. هدف این بودکه‌در خصلت رژیم تغییری واردنیایدبلکه‌باموءثرساختن بهتر

اقتصادوتشدیدکنترول حزب برتاسیسات صنعتی استقرار ثبات رژیم به شکل بهتری تأمین گردد.

بصورت مختصرمیتوان گفت که درتحت شرایط فوق که روش اقتصادی رژیم ازسال ۱۹۶۰ گرایشی بسوی کاپیتالیزم داشت درحالیکه درمرحله پالیسی جدید اقتصادی (NEP) این گرایش بیشترمحسوس بود.

بهرصورت درسال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ عین تخنیکی به کار برده شدکه درسال ۱۹۲۰ آنرابکاربرده بودندو آن اینکه کیفیت وماهیت این تغییررابجهان جلوه دادندبطوریکه جهانیان فکرکنندنفوذایدئولوژیکی روبه ضعف گذاشته و تمایلی برای استقرارسرمایداری پدیدآمده است.

دربین میان کی،جی،بی رول فعالی رادرمعکوس نشان دادن حقایق بعهده گرفت. برسبیل تمثیل، اعترافات یک ملیونرزیرزمینی که بابتکارشلیپن برای روزنامه ایزوایستیا تهیه وتدوین شده بود، همچنان کا،جی،بی تخنیک گسترده ای بکاربردتادرافکارتوریستها، بازرگانان، دانشمندان وجریده نگاران مستقیمانفوذواردکنند. بصورت مثال وقتی اقتصاددانان غرب ازاتحاد شوروری دیدن میکردند، طبعا آرزوداشتندباهم مسلکان خود به گفتگوبنشینند. واین یک پروسه مروج و معمولی بود که بایدزمینه این چنین ملاقات هارا قبل ازهمه باحزب و کا، جی،بی فراهم میساختند. هم مسلکان روسی، ازکا،جی، بی دستورمی گرفتندکه چگونه با بازرگانان غربی درمحیط دوستان واردمذاکره شوندودرموردناکامی سیستم اتحاد شوروی وگرایش بسوی کاپیتالیزم صحبت رابکشانند. در

حالیکه آنچه برزبان میراندند، واقعاً تمایلی به سوی استقرار سرمایداری نبود.

تغییرات سیاسی :

اعتقاد غربیها در نرمش سلوک دربرابر پراپلم های شوروی درداخل وخارج ازیک سلسله تغییراتی الهام گرفته بود که از سال ۱۹۵۸ به اینطرف، به ظهور پیوست. میتوان ازین تغییرات بصورت مختصر یادآوری کرد. یک فورمول جدید وضع شد که عنوان دیکتاتورشپ پرولتاریا که زبان رسمی کمونیستها است جای خودرا به یک عنوان دیگر خالی کرد و آن عبارت از "دولت تمام مردم" بود. قدم های به منظور کاهش کنترول ونفوذ سرویس امنیتی برداشته شد. وزارت امور داخله سرا سر جمهوریت ها درسال ۱۹۵۹ لغو گردید ولی البته برای یک وقت کوتاهی جنرال ایوان سیروف رئیس کا،جی،بی که پولیس با تجربه و مشهوری بود، بتاریخ ۹ دسمبر ۱۹۵۸ از عهده اش برکنار و بجای او شلیپن رهبر نهضت جوانان شوروی که لیبرال بودن را به او شهرت داده بودند، مقرر گردید اعمال ترور روبکاهش گذاشت، گفته میشد که یک نظام قانونی سوسیالیستی رو یکار میاید. کا،جی،بی به حیث یک سازمان اصلاح شده، معرفی شد.

چرشنسکی روزهای میمونی داشت. هرچندا و بحیث دشمن سرسخت رژیم معرفی وشناخته شده بود ولی برعکس او را به حیث دوست مردم شوروی عنوان دادند. خروسچف به مدیران مطبوعات سوسیال دیموکرات جمهوریت اتحادی

آلمان گفت که دولت شوروی به سازمانهای امنیتی واقعاً" نیازی احساس نمی کند. از این تشکیلات تنها در موارد سرقتهای کوچک استفاده خواهد شد.

خروسچف وشلیپن با ربا را زموجودیت زندانیان سیاسی درکشورانکار کردند. برحسب ادعای نشریه کمونست اورگانهای امنیتی دولتی حالا به کارهای احتیاطی و امور تربیتی منهمک اند. آنان اکنون به تدابیر امنیتی دست میزنند.

درواقع امر بین این ادعا واقدامات اختناق آمیزی که سرویسهای امنیتی پیش می بردند تفاوت فراوان وجود داشت.

درسورد این هم یک سلوک پرا زبردباری ولی نمایشی را پیشه ساختند. رئیس امور کلیسا های ارتودوکس که یک مامورکا، جی، بی وکارپا پوف نامیده میشد از عهده اش بر طرف وبعوض وی کوریودرف سابق منشی حزبی ولایتی باین کار مقرر گردید و به عده زیادی از رهبران مذهبی اجازه مسافرت به خارج را قایل شدند.

اما از همه مهمتر، روش صبورانه دولت دربرابر نویسندگان، دانشمندان وسایر چهره های ابداعی وابتکاری بود. افکار عامه نسبتاً بدون قیدوبند وبا شوروشوق ابراز میگردید بعضاً تبصره های غیررسمی انتقادی هم علیه رژیم نشر میشد، درحالیکه از طرف دیگر ریالیزم سنتی سوسیالستی آرت رسماً تشویق میگردید، آثار رسامی ابسترکت در ماسکو با تدویر نمایشگاه به معرض نمایش گذاشته شد.

خروسچف از این انکشافات مرتباً انتقاد می کرد.

WRITERS UNION OF FREE AFGHANISTAN
WUFA
1985

به سلسلهٔ نشرات وفا
۱۶

دروغهای جدید
بخاطر
دروغهای قدیم

ستراتیژی کمونستها در پنهانکاری و دروغگوئی

اثر: اناتولی گولیتسین افسر سابق کا، جی، بی

مترجم: سید فقیر «علوی»

جلد دوم

معرفی کتاب

اسم کتاب : دروغهای جدید بخاطر دروغهای قدیم (جلد دوم)
مؤلف : اناتولی گالیتسین ، افسر سابق کا،جی،بی
مترجم : سید فقیر «علوی»
چاپ : نورمحمد «اکبر»
مؤسسه نشراتی : اتحادیه نویسندگان افغانستان آزاد «وفا»
تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه
تاریخ چاپ: قوس ، ۱۳۶۶ هـ ش

دآزاد افغانستان دلیکوالو ټولنې مشر:

پروفیسر رسول امین

د تالیف او ترجمې بورډ :

حکیم تهنیوال

جگړن غلام دستگیر «شکیب»

دروغهای جدید

بخاطر

دروغهای قدیم

ستراتیژی کمونستها در پنهانکاری و دروغگوئی

فهرست

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ